

نظام پولی طلا

آینده باثبات پولی جهان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظام پولى طلا

آينده باثبات پولى جهان

چاپ اول انگليسى

ذوالحجه ۱۴۳۲ھ.ق - نومبر ۲۰۱۱م

چاپ اول درى

۱۳۹۶ھ.ش - ۲۰۱۷م

نشرات امت

کابل - افغانستان

info@hizb-afghanistan.com

www.hizb-afghanistan.com

www.hizb-ut-tahrir.info

www.qeyaam.com

فهرست مطالب

- ۱ خلاصهٔ مبحث
- ۴ مقدمه.
- ۶ دلیل اول: قابلیت مانور مشکلات در سیستم باثبات طلایی
- ۷ فقدان ظرفیت نفوذ پذیری و متأثر ساختن دوران تجارتي
- ۸ رباخوری و پول کاغذی حکمی.
- ۹ ثبات قیمت‌ها
- ۱۰ مصارف و خرج اضطراری
- ۱۲ دلیل دوم: مشکلات عرضه طلا-ترس دیفلاسیون
- ۱۸ دلیل سوم: مشکل بی ثباتی سطح قیمت‌ها
- ۲۲ دلیل چهارم: مشکلات رشد اقتصادی
- ۲۴ دلیل پنجم: نرخ بلند تولید
- ۲۴ سکه به عنوان ضیاع تولید

۲۷	دلیل ششم: مشکل سازگاری
۲۹	دلیل هفتم: نظارت
۳۲	دلیل هشتم: مشکل جهانی عدم تقارن (ناهمودی)
۳۷	سیستم واحد پولی طلا و نقره مبتنی بر اسلام
۴۰	دلیل نهم: مشکل گذار (انتقال)
۴۳	چطور می توان به سیستم واحد پولی طلا بازگشت نمود
۴۴	دلیل دهم: مشکل اجرا (تطبیق)
۴۷	نتیجه گیری
۵۱	دیدگاه اسلام پیرامون نظام پولی طلا
۵۵	فواید نظام پولی طلا
۵۸	منابع

خلاصهٔ مبحث

در آغاز ماه اگست سال ۲۰۱۱ میلادی قیمت طلا به بلندترین سطح خود رسید و به بیشتر از ۱۹۰۰ دلار در مقابل یک اونس (حدود ۳۱ گرم) طلا بلند رفت و در صورتی که ارزش آن بیشتر افزایش نماید، تعداد اندک افراد را متعجب خواهد ساخت. این برای نخستین بار نیست که ترس از بلند رفتن مجموعی قیمت‌ها و عدم ثبات سیاسی سرمایه‌گذاران را در جستجوی پناه‌گاه امن زیر چتر طلا سوق داد. ارزش نقره نیز به طور مشابه به بلندترین سطح‌اش رسیده‌است. قیمت یک اونس آن تقریباً ۵۰ دلار امریکایی افزایش نموده که این در طول سی سال گذشته بی سابقه می‌باشد. با کاهش ارزش پول حکمی رایج به خصوص دلار امریکایی بدون پشتوانه‌ای طلا و نقره یکبار دیگر ارزش ذاتی آن را ثابت ساخت. در عصر بحران‌های مالی و اقتصادی، طلا مؤثر بوده زیرا منحنی ذخیره اسعار جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر حفظ ارزش ذاتی آن مورد قبول اعتماد همه‌گان واقع شده می‌تواند.

در این رساله نه تنها در مورد طلا منحنی بهترین گزینه در زمان بحران‌ها، بلکه منحنی بهترین گزینه برای پشتوانه‌ی نظام پولی برای کارکرد بی عیب و نقص سیستم مالی، ثبات اقتصادی و رشد متداوم بحث می‌گردد؛ زیرا جای تعجب نیست که دیدگاه اسلام پیرامون نظام پولی استوار به استفاده از طلا و نقره با پشتوانه‌ای قطعی از آن منحنی ذخیره می‌باشد.

این رساله ده مورد از اتهاماتی را که بر علیه سیستم با ثبات طلا ذکر شده مورد غور و بررسی قرار می‌دهد. سپس برای رد این موارد دلیل آورده و روی درخشش تاریخی آن بحث می‌گردد. برخی از نکات کلیدی که در این رساله تحقیق شده است قرار ذیل می‌باشد:

۱- یگانه دیدگاه پول رایج حکمی اینست که با کریدت ارزان و چاپ بی‌انتهای این پول؛ می‌توان مشکلات دوران تجارتي را تسکین داده و حل کرد. درحالی‌که این‌گونه طرز تفکر سطحی بوده که در جریان این بحث به آن پرداخته می‌شود؛

۲- در قلب انتقادهای علیه سیستم با ثبات طلا مخالفت ناسازگار و ترس غیر منطقی از دیفلاسیون می‌باشد. بازار کار انعطاف پذیر یکی از شرایط الزامی است که اثرات منفی سقوط قیمت‌ها را در تولیدات بازارها جبران و شرکت‌های تجارتي را قادر می‌سازد تا در شرایط دیفلاسیونی توان رقابت و سودمندی داشته باشند؛

۳- اعداد، ارقام و شواهد انفلاسیون در انگلستان بطور آشکارا نشان می‌دهد که یک تناقص عمیق میان این‌که سیستم با ثبات طلا منجر به دیفلاسیون می‌گردد، وجود دارد. در مدت زمان بین سال‌های ۱۸۰۰-۱۹۱۴ سطح قیمت‌ها به همان تناسبی که بلند می‌رفت، سقوط می‌کرد. خصوصاً هنگامی که اوسط انفلاسیون سالانه نزدیک به صفر می‌بود؛

۴- استدلال دیگر این است که طلا کم است؛ درحالی‌که مشکل اصلی این نیست که طلا کم است، بلکه واقعیت اینست که دالر بی اندازه و بدون نظارت چاپ می‌شود و در بازارها زیاد است؛

۵- مصارف تولید پول رایج حکمی احتمالاً در مقایسه با استخراج و انتقال طلا ناچیز محاسبه می‌گردد. درحالی‌که مصارف مجموعی جوامع دارای نظام پولی کاغذی فوق العاده قابل ملاحظه می‌باشد؛

۶- سیستم با ثبات طلا با نظام پولی کاغذی سازگار نبوده و برای مؤثریت آن نیاز به یک اقتصاد بدون سود (ربح) می‌باشد؛

۷- اسلام پشتمانه ذخیره صد در صد طلا را واجب می‌گرداند؛ نه اختیاری. این امر بالای نصوص و دلایل گوناگون شرعی استوار می‌باشد؛

۸- اسلام یک نظام با ثبات پولی کاملاً با معیار طلا و نقره را واجب ساخته که اصول و قواعد آن برای توازن بیلانس تادیات، بدون مداخله بانک‌های مرکزی امکان پذیر می‌باشد؛

۹- منفعت‌های سیستم باثبات طلا بطور آشکارا فراوان است، از جمله این‌که: یک نظام با ثبات بدون اثرات دورانی عظیم، مستقل از مداخلات و دستکاری‌های دولت، عاری از مشکلات سپرده‌های انفلاسیون، سیاست تنزیل پولی، بحران‌های بین‌المللی و کسر طویل‌المدت بیلانس تادیات می‌باشد؛

۱۰- معکوس با قانون گراشام، ارزش‌های قوی به زودترین فرصت وسیله مورد پسند در روند تبادل قرار می‌گیرد و سیستم باثبات طلا را سریعاً قادر می‌سازد تا موقف جهانی خویش را دوباره از سر آغاز نماید.

یگانه نظام حکومتی که بدون ابهام بر تطبیق نظام پولی بر مبنای معیار طلا پافشاری می‌نماید، اقتصاد اسلامی بوده که تحت چتر دولت خلافت تطبیق می‌گردد. در نظام اسلام، سیستم پولی دو فلز یعنی معیار طلا و نقره تطبیق می‌شود، و هیچ‌گونه پول کاغذی تحت حاکمیت اسلامی چاپ و نشر نمی‌گردد، مگر این‌که دارای پشتوانه‌ای طلا باشد.

طلا و نقره هر دو وسیله مناسب برای تبادل می‌باشند؛ زیرا آن‌ها ارزش ذاتی دارند (به شمول زیورات و استفاده صنعتی از آن‌ها) که بصورت گسترده وجود دارد و مورد انحصار کسی قرار نمی‌گیرند. در عین حال یک قانون منظم برای انکشاف عرضه آن جهت تکافویی نیازمندی‌های برای رشد اقتصادی وجود دارد. بحران‌های مالی در غرب آشکار ساخت که به کدام اندازه نظام‌های پولی رایج کاغذی حکمی تحت حاکمیت سیستم بانکی قرار دارند که با افزایش پدیده سود در مصرف گسترده، چگونه جوامع مورد سوی استفاده قرار می‌گیرند. در مقایسه اسلام یک فضای غیر سودی (ربحی) را ایجاد نموده که در آن هیچ‌گونه مشوقی برای خارج ساختن پول از جریان گردش اقتصادی وجود ندارد. این راه‌کار مانع گردش ثروت در میان ثروتمندان می‌گردد.

مقدمه

«طلا پول پادشاهان، نقره پول ثروتمندان و داد و ستد کالاها پول دهقان‌ها است، اما قرضه پول غلامان می‌باشد.» (نورم فرناز، پول و ثروت در هزاره جدید)

در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۰ قیمت یک اونس طلا در اخیر سال به ۱,۴۲۰ دلار رسید: بیشتر از ۳۰ درصد قیمت طلا در این سال افزایش یافت و در ده سال پی‌هم قیمت طلا بر اساس ارزش دالر رشد نموده بود. از سال ۱۹۷۱ بدینسو، زمانی‌که ریچارد نیکسون بطور یکجانبه از سیستم معیار و پشتیبانه طلای جهان خارج گردید، قیمت طلا از قیمت تعیین شده ۳۵ دالر در هر اونس آن به سطح فعلی تزئید کرد. یک افزایش ۳,۹۵۰ درصدی در بهای طلا رخ داد؛ به عبارت درست کاهش بی سابقه ارزش دالر امریکایی واقع شد.

طلا در سال ۲۰۱۰ منحیث پیشتازترین عنصر سرمایه‌گذاری، در درجه اول قرار گرفته بود. طلا یگانه عنصر برای سرمایه‌گذاری است که همه ساله از سال ۲۰۰۰ به اینسو بهای آن در حال افزایش است، اما محتوای این رساله از این منظر طلا را بررسی نه نموده است. بلکه این رساله راجع به طلا منحیث پول رایج در اسلام بحث کرده است.

این رساله در مورد ضعف و مشکلاتی ناشی از رایج بودن پول کاغذی در جهان و بدیل آن که سیستم پولی طلا است، بحث می‌کند. این درحالیست که مشکلاتی ناشی از رایج بودن پول کاغذی در جهان محسوس بوده و این پرسش نیز مطرح می‌گردد که آیا طلا برای بار دیگر

منحیث اساس سیستم پولی قرار گرفته می‌تواند یا خیر؟

«رابرت زیولک، رئیس بانک جهانی، در ماه نومبر سال ۲۰۱۰ در یکی از مقالات خود در فایننشل تایمز بحثی را دوباره یادآور شد و بر رهبران جهان اصرار نمود تا معرفی مجدد سیستم باثبات طلا را به منظور کنترل حرکات ارزها ملاحظه کنند. او استدلال نمود که بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان نیاز دارند تا یک سیستم پولی کارا و مؤثر شکل دهند.» طبق ادعای او با این کار دولت‌های بزرگ می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران را در سطح جهان افزایش دهند. این کار زمینه رشد اقتصادی را در آینده تحریک خواهد کرد:

«هم‌چنان کشورهای ۲۰-G باید طرح بازگشت این رشد را با ایجاد یک طرح کارا و مؤثر سیستم پولی که انعکاس دهنده ظهور شرایط بهبود اقتصادی باشد، تکمیل نمایند. این سیستم جدید احتمالاً شامل دالر، یورو، ین، پوند می‌گردد که بطرف بین‌المللی شدن و بعداً منجر به ایجاد یک حساب سرمایه باز مرکزی می‌شود. این سیستم پولی استخدام طلا را منحیث یک نقطه مرجع متوقعه انفلاسیون، دیفلاسیون و ارزش آینده ارزهای بازار نیز ملاحظه می‌کند. کتب و رسانه‌ها نیز احتمالاً طلا را منحیث پول قدیمی به تصویر می‌کشند، بازارها نیز طلا را منحیث دارایی‌های پولی جایگزین مورد استفاده قرار می‌دهد.»

توضیحات زیولک، بطور پیش‌بینانه بیانگر یک اعتراض شدید در برابر نظام مالی و بانکی شرایط فعلی است. هر چند نظام پولی حاکم (کاغذی) در حال شکست است. چنانچه حکومت ایالات متحده امریکا تسهیلات کمی (افزایش دراماتیک عرضه پول) را مورد استفاده وسیع قرار داد که به انتقادهای شدید و گسترده‌یی مواجه گردید. هو جنتاو، رهبر چین قبل از بازدیدش از ایالات متحده امریکا در اواسط ماه جنوری ۲۰۱۱ به شکل کاملاً آشکارا اظهار نمود که: «نقدینگی (حجم پول یا مجموع پول) دالر ایالات متحده امریکا باید در یک سطح مناسب و ثابت نگهداری گردد.»

وی در این سفرش به امریکا، به یک بازسازی بنیادی سیستم پولی حکمی اشاره نمود و گفت: «نظام فعلی بین‌المللی پول، محصول تاریخ گذشته است.» وی صرف واقعیتی را بیان نمود که موقف ارزش فعلی ارز (دالر امریکا) سریعاً کاهش می‌یابد و قرضه دهنده‌گان کشورهای بزرگ از جمله چین دیگر کسر پولی ایالات متحده امریکا را حمایت و تحت

پشتوانه بانکی قرار نخواهند داد.

سیستم باثبات پول کاغذی، ایالات متحده امریکا را قادر ساخته است تا بدون قید و شرط هرگاه ضرورت احساس نماید، اقدام به چاپ دالر نماید. دالر امریکایی منحصیث ارز جهانی تأثیرات دراماتیک بر اقتصاد جهان می‌گذارد و با آثار سوء انفلاسیون و کاهش متداوم ارزش دالر و سایر پول‌های کلیدی کاغذی حکمی، بحران‌های مالی را در سطح جهانی ایجاد می‌کند. چنانکه فشارهای بحران مالی فوراً هضم گردید و تنزیل ارزش ارزها احتمالاً منحصیث ابزار نهایی به خطر انداختن بهبودی اقتصادی پدیدار شد. بناءً وقت آن فرا رسیده است تا یکبار دیگر بدیل مناسبی را برای این نظام پولی کاغذی حکمی بررسی و ارزیابی نماییم.

با بی اعتبار شدن کامل اکثر سیستم بانکی جهان در جریان بحران مالی، یک فرصت طلایی بوجود آمده است تا رکن‌های اساسی نظام بانکی غرب را مجدداً بازرسی و بازمینی نمود. همچنان بازمینی ایجاد کردیت از طریق ارزهای کاغذی حکمی بطور کامل عاری از هرگونه پشتوانه دارایی می‌باشد. آیا جهان به سیستم باثبات طلا دوباره بازگشت کرده می‌تواند؟

این رساله بحث فوق را بیان نموده و بعداً آن را با رده اتهام ذکره شده برضد سیستم باثبات طلا بیان می‌دارد. این استدلال‌ها از ادبیات اقتصادی و تحلیل رسانه‌یی بطور خلاصه اخذ شده است. این استدلال‌ها چرخش دورانی و دامنه وسعت سیستم باثبات طلایی معاصر را به تصویر می‌کشد. پس ما این استدلال‌ها را بیان می‌داریم. همچنان دلایل ضد آن را نیز توضیح می‌دهیم. تا برای مخاطبین واضح گردد که این دلایل هنوزهم در روشنایی حالت جاری و برتری تاریخی اعتبار دارند؟ و آیا آن‌ها در رسیدگی برای یک ارز با ثبات در یک جهان بی ثبات غیر قابل عبور می‌باشند؟

در اخیر، ما موقف اسلام را در رابطه به سیستم پولی که بر مبنای ارزش طلا و نقره استوار است، بیان می‌داریم. در عین حال چگونگی و کیفیت تطبیق موفقانه آن را با در نظر داشت دلایل ده گانه‌ی مخالف آن بررسی می‌نماییم.

دلیل اول: قابلیت مانور مشکلات در سیستم باثبات طلایی

دلیل اول: نظام پولی باثبات طلا اهرم‌های را برای پالیسی کنترل پولی فراهم نمی‌سازد. بنابر

این، دولت‌ها قادر به کاهش و رکود اقتصادی، تحریک رشد اقتصادی و ایجاد پول نقد جهت مصارف در پروژهای اضطراری در دوران تجارتي نخواهند گردیدند.

رد دلیل: ظرفیت سیستم باثبات کاغذی حکمی در تخفیف دادن دوران فعالیت‌های تجارتي کاذب می‌باشد. زیرا نخستین عامل آن همین است. اسلام بطور قاطعانه معاملات ربوی و افزایش چاپ پول را بدون پشتوانه کامل طلا و نقره منع ساخته است. خرج کردن‌های اضطراری در سیستم باثبات کاغذی حکمی، منافع ثروتمندان را تامین می‌کند و در نتیجه منجر به افزایش مالیات نامرئی بالای اکثریت می‌گردد. درحالی‌که در اسلام منبع مالیات ثروتمندان می‌باشد.

فقدان ظرفیت نفوذ پذیری و متأثر ساختن دوران تجارتي

دوران تجارتي توسط اکثر مجریان مکاتب فکری سرمایه‌داری در عملکردهای بازار آزاد کامل پنداشته می‌شود. آن‌ها اظهار می‌دارند که در سیستم باثبات طلا ابزارهای گوناگون، از قبیل: بکار انداختن سیاست‌های مالی و پولی جهت تسکین مرحله‌های منفی دوران تجارتي مورد استفاده قرار داده شده نمی‌تواند. دوران تجارتي توسط مرحله رشد سریع در تولیدات، بعداً دوره کاهش و سپس کساد محصولات که اکثراً رکود اقتصادی عنوان می‌شود، تشخیص می‌گردد.

ادعا می‌گردد که بانک‌های مرکزی که اکثر شان مستقل و خارج از کنترل دولت می‌باشند، که در کاهش اثرات ناگوار دوران تجارتي از طریق توسعه، در مدت رونق اقتصادی و کاهش مرحله کساد اقتصادی کمک کرده می‌توانند. طبق ادعای شان، این هدف از طریق ابزارهای گوناگون سیاست‌های پولی از قبیل بلند بردن نرخ ربح و افزایش عرضه پول بدست آورده می‌شود. بناءً این اقدامات در تحت سیستم پشتوانه کامل باثبات طلا، که طلا در آن منحصراً عامل محدود کننده عرضه پول در اقتصاد عمل می‌کند، امکان پذیر نمی‌باشد.

دوران فعالیت‌های تجارتي محصول عوامل داخلی و خارجی می‌باشد. بنابر این، حالاتی بوجود می‌آید که یک روند کساد یا رکود اقتصادی توسط عوامل خارجی از جمله نوسان ناگهانی قیمت‌ها مانند: افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۰ باعث آن شده می‌تواند. هر چند

پرداختن به چنین عامل خارجی خارج از مبحث این رساله می‌باشد. عوامل داخلی که منجر به رکود اقتصادی می‌گردد، باعث اتخاذ سیاست‌های انقباضی پولی (معمولاً بلند بردن نرخ ربح) جهت جلوگیری از رشد بی اندازه اقتصاد و تسریع انفلاسیون می‌باشد.

رباخوری و پول کاغذی حکمی

بانک‌های مرکزی اقدامات گوناگونی را انجام می‌دهند تا اخذ قرضه و سرمایه‌گذاری را به خصوص در زمانی که بازارها در رکود قرار دارند، تشویق نمایند. این اقدامات شامل: افزایش عرضه پول در دوران از طریق کاهش نرخ بهره که در نتیجه آن حجم دوران پول را افزایش می‌دهد که یکی از باثبات‌های اساسی برای فعالیت بانک‌ها است که سیستم قرضه بین‌البانکی را ایجاد نمایند و همچنان قرضه را برای مشتریانی که مشتاق به اخذ قرضه اند بسادگی بدسترس قرار دهند.

این اقدامات شامل عوامل داخلی اند که در ایجاد عمده دوران تجارتمسؤول بوده و این اقدامات بانکی بطور آشکارا از نظم جاری سیستم پولی حکمی منشاء می‌گیرند. فرهنگ مصرف‌گرایی با پشتوانه ایجاد کردیت نامحدود از طریق سطح پایین نرخ بهره منجر به رونق و رشد کاذب و ناپایدار اقتصادی می‌گردد. این امر خود منتج به سقوط یا مرحله دوران رکود اجتناب‌ناپذیر اقتصادی می‌شود. زمانی که تقاضای افراطی اجتناب‌ناپذیر ناشی از کردیت متذکره باعث افزایش سطح قیمت‌ها می‌گردد و در بعضی حالات قیمت‌های انفلاسیونی ایجاد مینماید، در نهایت یک پدیده‌یی که معمولاً منحنیث‌حباب (داد و ستد با ارزش بالاتر از قیمت واقعی) از آن یاد می‌شود، منتج می‌گردد. مانند حباب بازار مسکن سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا که در اثر آن بانک‌ها اقدامات وقایوی را از طریق افزایش نرخ بهره به منظور کنترل انفلاسیون انجام دادند.

بنابراین بطور معمول در این مرحله‌ی از فعالیت‌های اقتصادی، تهیه کردیت برای اکثریت واحدهای اقتصادی بی‌اندازه قیمت تمام شده و مرحله تصاعد (جرقه‌ای قبل از بحران) بحران آغاز می‌گردد. همراه با فهم بازیگران بازار مبنی بر این که قیمت‌ها در سطح بلندی قرار گرفته و زمان آن فرا رسیده است که چنین ثروت‌های شان را بفروش برسانند، این روند منجر به

تنزیل حتمی قیمت‌ها شده و در اکثر حالات سطح قیمت‌ها سقوط می‌کند که روند رونق اقتصادی کاذب را به پایان سوق می‌دهد. بنابراین، هرگاه بازار از چنین فعالیت‌های افراطی توسط رکود اقتصادی عاری گردد، تمام پروسه دوباره از سر آغاز می‌گردد و این پدیده به شکل دورانی و متداوم تکرار می‌شود.

پس نقطه کلیدی اینجاست که چنین رونق کاذب اقتصادی با رشد پایدار اقتصادی از طریق ایجاد سیستم پولی معیاری که استوار به باثبات طلا و نقره می‌باشد تعویض گردد، تا تابع چنین دستکاری‌ها نباشد. پس هرگونه انحراف ناگهانی از مسیر رشد حالت عادی جریان اقتصادی توسط عوامل خارجی بازار بوجود می‌آید. از جمله بحران نفت که منجر به رکود رشد محصولات می‌شود.

بنابر این، ادعای اینکه صرف روش عملکرد سیستم پولی حکمی، همراه با کریدت ارزان آن و ایجاد ارز نامحدود این سیستم می‌تواند روند دوران فعالیت‌های تجارتي اقتصاد را تسکین و رونق دهد، یک استدلال کاذب است.

ثبات قیمت‌ها

اگر یک ملت سیستم باثبات طلا را حاکم سازد، انفلاسیون به اندازه‌ای که فعلاً در اقتصاد بوجود می‌آید، رخ نمی‌دهد. این واقعیت را صرف با مشاهده قیمت طلا منحنیث یک امتعه اقتصادی در چندین سال اخیر قابل درک است. این خود یک دلیل قوی براین است که مردم اعتماد شان را نسبت به ارزهای کاغذی حکمی از دست می‌دهند و بی‌اعتمادی مردم منجر به تضعیف قدرت خرید چنین ارزها می‌گردد. اضرار اصلی این سیستم در عقب تولید نامحدود پول در فصل بعدی بهتر واضح می‌گردد، که در آن فصل انگیزه‌های واقعی افزایش پول با تمام اشکالش بررسی می‌گردد.

تأثیر خالص توزیع نامحدود پول در گردش فعالیت‌های اقتصادی در حقیقت انتقال ثروت به طبقه ثروتمند جامعه می‌باشد. این اقدام به بهانه‌ی کاذب تحت عنوان حفظ ثبات قیمت‌ها انجام داده می‌شود. بناءً خطر انفلاسیون (تورم) شدید و به شکل قابل توجهی در سیستم باثبات کاغذی حکمی که عرضه پول در آن نامحدود بوده، افزایش می‌یابد. طوری که در

انفلاسیون (تورم) شدید در کشور زمبابوی، قابل مشاهده است. چنانچه سطح انفلاسیون سالانه در سال ۲۰۰۸ به بیشتر از ۲۰۰ میلیون فیصد رسیده بود. دالر امریکا نیز به عین سرنوشت دچار می‌گردد. اگر اعتماد جهان بر قابلیت پرداخت حکومت ایالات متحده امریکا در قرضه‌هایش از بین برود. دولت چین قبلاً از خریداری دیون امریکا به شکل اوراق قرضه طویل‌المدت و قرضه‌های خزانه داری حکومت امریکا خود داری نموده که منحنی عامل بالقوه فرار از دیون ایالات متحده امریکا عمل می‌کند. این در حقیقت سرنوشت مشابه برای دالر در تحت این نظام تولیدی پول‌های حکمی که توسط هیچ‌گونه ارزشی مانند باثبات طلا پشتیبانی نمی‌شود، است.

مصارف و خرج اضطراری

منتقدان نظام باثبات طلا همواره یادآور می‌شوند که مصارف اضطراری قابل تطبیق در سیستم ارزی باثبات حکمی در نظام باثبات طلا امکان‌ناپذیر است. این امر را به موضوعات از قبیل تمویل فعالیت‌های ضروری در دوران جنگ که عامل کلیدی در اقدام رئیس‌جمهور نیکسون به خروج از معیار باثبات طلا منجر گردید، ربط می‌دهند، اگرچه یک شکل دقیق آن در سال ۱۹۷۱ می‌باشد. چنانچه این اقدام به علت مصارف جنگ ویتنام بود که مصارف خارج از وسایل موجود در وزارت خزانه داری ایالات متحده امریکا را ایجاب می‌نمود.

در پاسخ به این اتهام، مشاهدات و دیدگاه‌های بدیل ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد. در آغاز ممکن بعضی منفعتهای را در قادر ساختن افزایش مقدار پول و خرج آن برای پروژه‌های اضطراری ایجاد نماید. اما تأثیرات میان مدت و طویل‌المدت آن انفلاسیون و انتقال ثروت از مردم به خزانه طبقه حاکم می‌باشد. بناءً مبلغ پول اضافی که در سیستم تزریق می‌گردد، در آغاز سطح عمومی قیمت را متأثر نمی‌سازد و حاصل آن را کسانی که پول جدید را در آغاز بدست می‌آورند درو می‌کنند. قبل از این‌که آثار منفی آن از طریق کاهش قدرت خرید پول (انفلاسیون) به شکل گسترده در جامعه سرایت نماید.

آن‌هایی که پول اضافی جدید را در آغاز بدست می‌آورند، معمولاً صاحبان گروپ از کمپنی‌های منفعت طلب اند که قدرت فروش کالاهای اقتصادی را از جمله فروش اسلحه

به حکومت را دارند و بعداً عایدات پولی شان را به دارایی‌های غیر نقدی قبل از رسیدن انفلاسیون به جامعه پخش می‌کنند.

بنابر این، مردمی که با پول نقد معامله می‌نمایند، و درعین حال قرضه‌های که توسط مردم صورت می‌گیرد، این‌ها یگانه کسانی اند که با کاهش قدرت خرید پول زمانی که انفلاسیون در عمل پیاده می‌شود، شدیداً متضرر می‌گردند. پس در نتیجه، این همان مالیات نامرئی و مخفی است که بالای اکثریت مردمی که بیشتر توسط پول نقد و قرضه‌های بانکی سروکار دارند، بدون اینکه آن‌ها آگاه شوند، وضع می‌گردد.

پس این جای تعجب نیست که چرا دولت و گروه‌های ذی نفع خاص سیستم پولی کاغذی را دوست دارند و از آن حمایت شدید می‌کنند. بانک‌ها نیز حامی این سیستم هستند. چون واقعیت بانک‌های که پول در آن‌ها تا هنوز جمع‌آوری نشده، اما از مبلغ صفر ایجاد شده، ربع را وضع می‌نمایند.

ثانیاً، ضرورت حمایت از چنین پروژه اکثر اوقات ناشی از اقتصادهای جنگی (پروژه‌های جنگی) می‌باشد که دولت‌های سرمایه‌داری برای پیشبرد استراتژی‌های اقتصادی شان بمنظور افزایش رشد و رفاه اقتصادی در کشورهای خود راه اندازی می‌کنند. از همین رو است که آنها شعار می‌دهند: "جنگ برای رشد اقتصادی خوب است." پس آیا این ادعا پوشش مصارف اضطراری که در رشد اقتصادی نقش عمده‌ی دارد، کاذب گفته نمی‌شود؟ در مقایسه، نظام اقتصاد اسلامی بر دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت استوار و بنا شده است. هنگامی که یک ضرورت واقعی برای تمویل پروژه‌های اضطراری در دولت خلافت احساس شود، ارزش‌های اساسی جامعه، گرایش‌های شان در قربانی دادن، شکیبایی و افکار عامه براساس پابندی بر تمایلات روحی آن‌ها بر تمویل و جمع‌آوری سرمایه برای این‌گونه پروژه‌های کلیدی اساس قرار داده می‌شود. بنابر این، تمویل چنین پروژه‌ها شامل استفاده احکام شرعی بر وضع مالیات بالای ثروتمندان (اقدامات بالقوه باعث وضع مالیات به یک فیصدی بلندی بر شهروندان ثروتمند، مشابه به زکات) را نیز دربر می‌گیرد.

دلیل دوم: مشکلات عرضه طلا-ترس دیفلاسیون

دلیل دوم: عرضه کافی طلا وجود ندارد، در این حالت زمانی که سیستم باثبات طلا انتخاب گردد، این امر منجر به دیفلاسیون می‌گردد. همچنان عدم توازن بزرگ در عرضه طلا در سرتاسر نقاط جهان وجود دارد و حفظ ذخایر کافی طلا و نقره یک کار پر چالش می‌باشد. تزریق طلا در اقتصاد منتج به نتایج انفلاسیونی مشابه می‌شود که در اقدامات و قایوی کمی سیستم باثبات کاغذی حکمی صورت می‌گیرد.

رد استدلال: مرکز ثقل انتقادات سیستم باثبات طلا و نقره را ترس غیر منطقی و مخالفت‌های غیر واقع‌بینانه همچو وقوع دیفلاسیون تشکیل می‌دهد. بازارهای کار انعطاف پذیر یکی از شرایط الزامی برای مبارزه و قایوی تاثیرات منفی سقوط قیمت محصولات در بازار بوده که کمپنی‌های تجارتي را قادر می‌سازد تا در تحت شرایط دیفلاسیونی قدرت رقابت و سود آوری را داشته باشند.

اکثراً اظهاراتی مبنی بر اینکه طلا کافی برای فعالیت‌های تجارتي به سطح جهانی وجود ندارد، بیان می‌گردد. قرار تخمین‌ها ارزش طلا در تمام نقاط جهان تقریباً به مبلغ ۶,۵ تریلیون می‌باشد. عواید ناخالص ملی تمام جهان تقریباً بالغ به ۵۰-۶۰ تریلیون دالر تخمین شده است. پس چگونه ارزش طلا و نقره به عوض ارزش‌های کاغذی حکمی که جاگزین آن شده است، مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند؟

در روشانی دلیل فوق، استدلال می‌گردد آنچه کشورهای که دست به معاملات به یک سیستم باثبات طلا می‌زنند به شکل آشکارا نمی‌توانند که سطح قیمت را ثابت نگهدارند و تنظیم مجدد در سطح قیمت‌ها رخ می‌دهد که منجر به دیفلاسیون در تمام سکتورهای اقتصاد می‌شود. بناءً بعد از این سقوط، ثبات تدریجی در قیمت‌ها دوباره رونما می‌گردد.

مرکز ثقل انتقادات سیستم باثبات طلا و نقره را ترس غیر منطقی و مخالفت‌های غیر واقع‌بینانه همچو وقوع دیفلاسیون را تشکیل می‌دهد. برای رد این مفکوره یک تحلیل اضرار فرضی دیفلاسیون در کنار یک دیدگاه بدیل اینکه دیفلاسیون چگونه به یک قدرت بالقوه مثبت در اقتصاد مبدل شده می‌تواند، بحث می‌گردد. این ادعا نه تنها یک عامل محرک برای

رکود اقتصادی می‌باشد، بلکه منحنی یک قدرت مثبت در توزیع عادلانه ثروت در اقتصاد عمل می‌تواند. دیفلاسیون منحنی یک عامل بزرگ اضرار زا نسبت به انفلاسیون نظر به دلایل مختلف از جمله دلایل ذیل استدلال می‌گردد:

۱- دیفلاسیون بار دیون را افزایش می‌دهد. دیون در شرایط واقعی قیمت اش صعود میکند، زیرا هنگامیکه سطح قیم سقوط کند، ارزش قرضه‌ها بلند می‌رود؛

۲- پیشنهاد مبنی بر اینکه مردم خریداری‌های کالا و خدمات را در صورت پیشبینی سقوط قیمت‌ها به تعویق می‌اندازند که این انتظار تقاضای مجموعی را بیشتر به سقوط مواجه می‌سازد. بدین وسیله این امر منجر به چرخش دورانی رکود و در نتیجه کساد نهایی اقتصادی می‌گردد؛

۳- دیفلاسیون پالیسی‌های پولی را بی‌اثر می‌سازد. زیرا هیچ‌گونه مشوق‌های قرضه وجود نمی‌داشته باشد. بنابر این، هیچ‌گونه راه بیرون رفتی که بانک‌های مرکزی برای تحریک خودی فعالیت‌های اقتصادی بتوانند روی دست بگیرند وجود ندارد. بعضی تیوری پردازها از جمله جان مینارد کینز این پدیده را یک دام نقدینگی خوانده‌اند.

در پاسخ به این اتهام باید گفت که تعداد زیادی از تولیدات، رشد سریع فروشات را در مدت طویل مراحل سطح قیم دیفلاسیونی تجربه کرده‌اند. نظریه پیشرفت‌های تکنالوژیک از جمله رشد سریع تجارت، یا مدتی که رشد محصولات تولیدی چندین برابر نسبت به عرضه ارز پیشی گرفته است. حالت اولی قیمت‌ها را به سطح دیفلاسیونی در بخش‌های خاص سکتورهای اقتصادی سوق می‌دهد. درحالی‌که حالت دومی سطح قیمت تمام امته‌های اقتصادی را بطور عام کاهش می‌دهد. طوری‌که تناسب بین مقدار پول و کالا و خدمات سقوط از بین می‌رود و یک مبلغ کمی پول می‌تواند حجم بزرگ فعالیت‌های تجارتي را تکافو نماید. از اینرو، هر واحد پولی در شرایط واقعی اقتصاد ارزش بیشتر می‌داشته باشند، این هم در حالتی امکان دارد که قیمت‌ها سقوط نمایند.

بنابر این، تجارت و سرمایه‌گذاری توسط سقوط سطح قیمت که در نتیجه افزایش موثریت واقعی اقتصاد بوجود می‌آید، امکان جلوگیری آن نیست. پس رشد اقتصادی در نتیجه انقلاب صنعتی گواه بزرگ این ادعا می‌باشد که کارگشایان و متشبتین موثرانه آن را پیشبینی می‌توانند،

و روند مصارف و سطح قیمت را نیز از قبل می‌دانند و در نتیجه می‌توانند تا در زمان مشخص تصمیم آگاهانه جهت تامین منافع شان بگیرند.

اگر این امر واقعیت نمی‌داشت، پس در صورت کاهش مصارف تکنالوژی ارتباطات، ما شاهد خروج تعداد زیاد از شرکت‌های که خدمات تکنالوژیک را به بازار عرضه می‌دارند می‌بودیم، نه افزایش رشد و حضور آن‌ها در بازارهای جدید منحنی بازیگران تازه وارد، که در زمان حاضر ظرفیت تولید چنین محصولات را دارند و بدین وسیله حتی فروشات خود را نیز افزایش می‌دهند.

یکی از دلایلی که توسط مکتب کینزی‌ها دیفلاسیون را منحنی پیش زمینه رکود فعالیت‌های اقتصادی ذکر نموده اند این است؛ هنگامی که سطح فروش قیمت کالاها و خدمات سقوط کند، مصرف قیمت بخصوص مصارف دستمزد، براساس سطح سقوط قیمت پایدار مانده و اگر چنین فعالیت‌های تجارتي فزونی گیرد که یک تاثیر بالقوه در پایین آوردن سطح تقاضا در کل اقتصاد می‌گذارد که بنوبه خود سطح سقوط قیمت را بطرف پایین بشکل دایمی بدتر می‌سازد. تا این که حکومت جهت مدیریت این پروسه مداخله نموده و آغاز به اجراء نمودن تقاضای خودش تحت عنوان بکار انداختن پروژه‌های مختلف جهت تلافی نمودن کمبود تقاضا در سکتورهای خصوصی می‌کند.

پس چالش عمده در این مرحله اثبات و نشان دادن اینکه کاهش مصارف تولیدات چگونه شرکت‌های تجارتي را در چنین یک حالت دیفلاسیونی قادر می‌سازد، تا در بازار رقابت کنند و به این ترتیب از تاثیرات ناگوار تشریح شده فوق مصئون بمانند. در صورتی که کمپنی‌های تجارتي در کاهش مصارف عوامل تولید شان موفق شوند و با انجام چنین اقداماتی سطح سود آوری شان را حفظ بتوانند، آن‌ها از اثرات سقوط تدریجی سطح قیمت بطور نسبی در امان می‌مانند.

غیر انعطاف پذیری قیمت‌ها بخصوص حرکات روبه کاهش مصارف قیمت در ساحاتی از قبیل مصارف نیروی کار که منحنی دست مزد ثابت خوانده می‌شود، یا در سایر عوامل تولید از جمله کرایه زمین که نظر به شرایط طویل‌المدت قراردادهای مشکل است که مجدد روی آن گفتگو صورت گیرد، حتمی می‌باشد. بنابر این، دست مزد ثابت براساس عوامل روانی

بوقوع می‌پیوندد، زیرا کارگران به ارزش اسمی پول تا ارزش حقیقی آن بیشتر توجه می‌نمایند. این مفهوم در اقتصاد به توهم پولی معروف می‌باشد، پدیده‌ایی که کارگران کمتر تمایل به قبول دریافت مزد پایین با وجود سقوط سطح قیمت می‌داشته باشند و در صورت افزایش قیمت، استدلال به بلند بردن مزد شان را می‌نمایند. در صورتی که کارگران این تناقض را درست درک کنند تمایل کمتر در کاهش دست مزد شان می‌داشته باشند، بخصوص در حالتی که آنها مفهوم گسترده‌ی آن را در دورنمایی آینده کار شان و در کل اقتصاد مشاهده نمایند.

بنابر این، بازارهای انعطاف پذیر نیروی کار یک شرایط مساعد دارند تا در صورت اثرات منفی سقوط سطح قیمت در بازارهای محصولات به آن مجادله صورت گیرد. در اسلام مفاهیم گوناگون وجود دارد، از جمله این مفکوره که الله رازق است و یک مفهوم واضح‌تر پیرامون ارزش نیز وجود دارد، پس در این صورت ارزش پول توسط قدرت خرید آن تعریف می‌گردد، تا اطمینان حاصل شود که بازارها از چنین غیر انعطاف پذیری حالات اقتصادی متاثر نگردند. تئوری پردازان اوایل کپیتالیزم (طرفداران مکتب نسبت گراها) در مقابل این مفکوره اندازه گیری مفدیت منحیث یگانه سیمایی امتعه اقتصادی، یک مفهوم از ارزش را تبنی نمودند و آن را تیوری مطلوبیت نهایی نزولی مسمی کرده بودند که براساس آن ارزش یک متاع را بر مبنایی مفدیت آن در حین مصرف زمانیکه نقطه ضعیف نیازمندی را اشباع میساخت، تعریف کردند. این سطح مفیدیت مقایسه امتعه ها را به هدف مبادله قادر میساخت.

بنابر این، پول به شکل طبیعی به حیث یک امتعه جهانی تبدیل گردید که منحیث مقیاس تعیین ارزش تمام اشیاء مورد استفاده قرار می‌گردد. اما مشکل این بود که با این تناسب مردم اقدام به تعیین ارزش اشیاء از طریق منشور قیم بعوض مفیدیت ذاتی خود شی پراختند. ازین رو در صورت که قیمت یا مقدار مطلق پرداخت شان کاهش یابد، استدلال این می‌شود که اشیایی مذکور خراب است. این استدلال اشتباه از ارزیابی ارزش از طریق قیمت‌ها بطور اشکارا در مثال پدیده توهم پولی نشان داده شد که کارگران ارزش واقعی دست مردهای شان را درک کرده نمی‌توانستند. در عوض کارگران در مورد ارزش اسمی دست مزد شان در اندازه گیری پرداخت مردهای شان به شکل یک مبلغ مطلق پول عاری از رزش واقعی آن فکر می‌نمایند، پس در این حالت ارزش واقعی از طریق قدرت خرید پول تعیین می‌گردد.

اگر بازیگران بازار در یک محیط اقتصاد اسلامی با وضاحت کامل این مفاهیم (در مورد توهم ارزش پول توسط تیوری پردازان اقتصادی کلاسیک) را درک می کردند بنابر این، قادر می شدند تا ارزش واقعی را مشاهده می نمودند، بعداً دیدگاه درست ارزش دست مزد یک کارگر در مرحله دیفلاسیون اقتصاد منجر به احتمال بیشتر پذیرش دستمزدهای پایین کارگران می گردید، زیرا قدرت خرید را درست درک می کردند و به این ترتیب ارزش پرداخت مزدهای شان در نتیجه متاثر نمی شد.

علاوه بر آن ترس متداوم انفلاسیون مرتبط به سیستم باثبات کاغذی حکمی این ترس را شدیدتر ساخته و کارگران را در پذیرش کاهش دستمزدهای شان بیشتر دل سرد میکند. برعلاوه آن، یافته های یک مطالعه در شمال امریکا در سال ۱۹۹۹ تحت عنوان "چرا دستمزدها در جریان بحران اقتصادی سقوط نمی کند" توسط ترامن بیولی (چاپ مطبوعه پوهنتون هاروارد) که براساس مصاحبه با بیشتر از ۳۰۰ تن از تجاران، رهبران اتحادیه ها و مدیران منابع بشری صورت گرفته بود، یک ناسازگاری و اختلاف بزرگ را در میان نمونه های تیوریکی ثابت دستمزد و حالت های واقعی ان نشان میداد. این تحقیق دلایل را از قبیل ترس کارفرمایان یا پایین آوردن مورال کارگران ناشی از ترسی که کاهش دستمزدهای اسمی منجر به پایین آمدن سطح معیار زندگی میشود، ذکر نموده بود.

یافته های این تحقیق بیان نموده بود که کارفرمایان از افزایش تغییر و تبدیل کارگران بیم داشته که مصارف نیروی انسانی را بلند میبرد. بناء این استدلال بیان میدارد که بهتر است کارفرمایان یک فیصدی کارگران شان را منحیث ابزار کاهش مصارف نیروی انسانی بر کنار سازند، بعوض اینکه سطح مزدهای تمام کارگران را پایین بیاورند تا بتوانند اثرات ناگوار فوق الذکر را خنثی نمایند.

پس اگر بصورت واضح واقعیت توهم پولی توضیح گردد و دیدگاه درست نسبت به ارزش بهتر درک شود، پس بی میلی و مقاومت در برابر کاهش مزدها کم خواهد گردید و اثرات منفی آن بر مورال کارگران که منعیث یک مانع بزرگ در مقابل پذیرش کاهش دست مزدها عمل میکند، از بین می رود.

در نتیجه گیری این نکته می تواند گفت که سقوط سطح قیم دستمزدها و سایر عوامل تولید به

بازار کمک نخواهد توانست تا تعادل و توازن مجدد مورد نیاز را جهت جلوگیری از کاهش روبه نزول انقباضی بازار را بطرف رکود اقتصادی، بیکاری سطح بلند و در نهایت بحران اقتصادی کرده بتواند. اما در صورت که سرمایه گذاری های اساسی رشد کافی نکرده باشد تا در برابر چنین تکان های بحرانی مقاومت نمایند، پس برای کمپنی های تجارتی بهتر است بعوض اینکه توسط مالیه دهنده گان تمویل گردند، خود شان ناکامی شان را بپذیرند.

ثانیاً، تا آنجایی که به بار دوش قرضه مربوط میشود، مودل نظام اسلامی استوار به این مفهوم است که بازیگران بازار تشویق می گردند تا با ابزار و سایل دست داشته واقعی شان زندگی نمایند و سرمایه گذاری های شان را از طریق پس اندازها تمویل کنند، نه از طریق قرضه های سنگین، یعنی قرار گرفتن در یک حالتی که خدمات قرضه همراه با ربح آن غیر واقعی میباشد، نباید صورت گیرد. بنابر این رسوم عام توزیعی در روش نظام اقتصاد اسلامی طوری است که تقسیم مساویانه ثروت را در بین بازیگران مارکیت به سطح حداکثر ممکنه مطمئن میسازد و ازینرو پس انداز معیار اصلی میباشد نه یک حالت استثنایی که در سیستم توزیع یک قطبی اقتصاد کپیتالیسیم صورت می گیرد وبصورت تدریجی فاصله بین ثروتمندان و فقیران را به یک تناسب صعودی رشد میدهد.

پس جای تعجب نیست که مردم در اکثر حالات مجبور ساخته میشوند تا برای ثروتمند شدن قرضه اخذ کنند. در اخیر پیرامون تعویق خریداری های مردم باید گفت که این یک استدلال ناشی از تناسب است تا پروگرام های تسکین دهنده کمی بحران مالی را توجیه نماید که ایجاد انفلاسیون را هدف قرار دهد تا اثرات دیفلاسیونی فوق الذکر را مجادله بتواند. در صورت وجود دستمزدهای انعطاف پذیر بیشترطوری که در حلیل قبلی نشان داده شد، پس انگیزه برای بتعویق انداختن خریداری های هنگامیکه دستمزدها سقوط خواهد نمود، بطور بالقوه قبل از سقوط سطح قیم محصولات و خدمات در سوال این مفکوره کاذب را نفی میکند.

در اخیر باید متذکر شد که ما از یک سیستم باثبات دو فلزی که در آن طلا و نقره بنیاد نظام پولی را تشکیل می دهد، حمایت میکنیم. این نظام باثبات دو فلزه عرضه پول را تکمیل خواهد نمود، زیرا آن تنها بر طلا متکی نمی باشد.

دلیل سوم: مشکل بی ثباتی سطح قیمت‌ها

دلیل سوم: سیستم معیار باثبات طلا در کوتاه مدت منجر به بی ثباتی سطح قیمت‌ها به سطح بزرگ‌تر می‌گردد و جریان تصمیم‌گیری فعالیت‌های تجارتهای را مختل و مانع می‌گردد. طلا یک امتعه اقتصادی است که قیمت آن همیشه در حال تغییر بوده و توسط قانون عرضه و تقاضا دایماً تغییر می‌کند.

رد استدلال: دلیل بی ثباتی کوتاه مدت سطح قیمت طلا منحصرماً وابسته به ضریب نسبت تغییرات بلند نسبی مدت زمان سیستم باثبات طلا می‌باشد. اگرچه ضریب تغییرات دارای یک آمار احصائیوی ناپایدار بلند هنگامیکه اوسط مجموع ارقام به صفر تقرب نمایند، مانند قضیه ضریب نسبی پایین و ضریب پایدار انفلاسیون طویل‌المدت بر مدت زمان سیستم باثبات طلا می‌باشد. بناءً به مراتب دور از ادعای کاذب بی ثباتی بازارها، تغییرات سطح قیمت در اطراف یک اوسط پایین بشکل واقعی، اشاره می‌دارد که بازارها سکنال‌های موثری برای مولدین و مصرف‌کننده‌گان فراهم می‌سازد تا بطور فعال در فعالیت‌های اقتصادی‌شان در جریان مدت تطبیق سیستم معیار باثبات طلا مصروف باشند.

در کشورهای که بازارها آزادانه فعالیت نمایند، قیمت‌های کالاها و خدمات براساس تغییرات در عرضه و تقاضای آن‌ها تعیین می‌گردد. پول یا ارز جهت تعیین قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرند و ارزش یک ارز توسط مقدار محصولات و خدمات که ذریعه مبلغ مشخص پول خریده شده می‌توانند، تعیین می‌شود. بنابر این، کاهش یا افزایش در عرضه پول خود منجر به افزایش یا کاهش سطح قیمت کالاها و خدمات قطع نظر از شرایط عرضه و تقاضا در مارکیت‌های انفرادی می‌گردد.

مایکل دیوید بارو، استدلال نموده است که انتخاب نظام معیار باثبات طلا باعث بی ثباتی سطح قیمت در کوتاه مدت شده و این امر موانع را فراروی فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. در عین حال، سایر دانشمندان بطور متناقض گفته‌اند که نظام معیار باثبات طلا منجر به دیفلاسیون می‌شود.

اما هنگامی که بطور عملی تحقیق و بازبینی صورت گیرد، هر دو ادعاهای فوق‌الذکر قابل

اعتراض میباشند. با وجود اینکه امروز ارزهای کاغذی حکمی در جهان تفوق و برتری دارند، نقطه اساسی که باید بیان نمود اینست که در طول بیشتر از ۲۵۰ سال گذشته تطبیق نظام پولی معیار باثبات طلا یک نورم و استاندارد بود نه یک حالت استثنایی.

جدول اوسط تغییرات سالانه در سطح قیم مصرف کننده گان انگلستان

انفلاسیون		
۱۷۵۰-۱۸۰۰	۲,۰%	سیستم باثبات طلا
۱۸۰۱-۱۸۵۱	-۱,۲%	سیستم باثبات طلا
۱۸۵۲-۱۹۰۲	۰,۳%	سیستم باثبات طلا
۱۹۰۳-۱۹۱۴	۰,۵%	سیستم باثبات طلا
۱۹۱۵-۱۹۲۵	۵,۴%	ترک سیستم باثبات طلا در جریان جنگ جهانی اول
۱۹۲۶-۱۹۳۱	-۲,۱%	سیستم باثبات طلا
۱۹۳۲-۱۹۴۵	۳,۸%	ترک سیستم باثبات طلا در جریان جنگ جهانی دوم
۱۹۴۶-۱۹۷۱	۴,۴%	ترک سیستم باثبات طلا توسط بریتون وودز
۱۹۷۲-۱۹۹۳	۸,۹%	سیستم باثبات حکمی
۱۹۹۴-۲۰۰۳	۲,۶%	سیستم باثبات حکمی

بناءً بررسی دورنمایی بریتانیا که انقلاب صنعتی از آن شروع گردید و قدرت مسلط جهان در قرن های هژده و نوزده میلادی بود، جدول بالا سطح انفلاسیون را از ۱۷۵۰ بدینسو نشان میدهد که توسط نهاد آمار احصائیوی ملی این کشور تازه به نشر رسیده است. با بررسی جدول فوق در ۵۰ سال نخست، سطح انفلاسیون بطور اوسط سالانه ۲٪ میباشد. به تعقیب آن یک مدت دیفلاسیونی را بین سال های ۱۸۰۱-۱۸۵۱ نشان میدهد، هنگامیکه اوسط انفلاسیون منفی ۱,۲٪ بوده و در ۵۰ سال بعدی آن سطح قیم ۰,۳٪ افزایش را سالانه نشان میدهد که به تعقیب آن یک رشد ۰,۵٪ سالانه الی سال ۱۹۱۴ بوجود آمده، که بعد از آن سیستم معیار باثبات طلا به منظور تمویل مصارف جنگ ترک می گردد. بنابر این، یک انفلاسیون میانگین در حدود ۱٪ سالانه را در مدت زمان سال های ۱۷۵۰-۱۹۱۴ نشان میدهد، پس این امر بیان میدارد که نظام استاندارد باثبات طلا ثبات سطح قیم بینظیر را در

طویل‌المدت عملی نموده است.

بنابر این، سطح انفلاسیون بریتانیا حداقل به شکل واضح یک نابرابری عمده را نظریه استدلال مبنی بر اینکه سیستم معیار باثبات طلا دیفلاسیون را ایجاد میکند، نشان میدهد. بین سال‌های ۱۸۰۰-۱۹۱۴، سطح قیم در بریتانیا طبق معمول به همان اندازه که سقوط مینمود، پس دوباره به همان اندازه صعود میکرد، درحالیکه اوسط انفلاسیون سالانه نزدیک به صفر میبود. چون این پروسه طبق معمول توسط یک افزایش در عرضه کالا و خدمات بوجود می‌آمد، نه توسط یک کاهش در سطح تقاضا. زمانیکه کشورهای جهان سیستم معیار باثبات طلا را در جریان جنگ جهانی اول ترک نمودند، قیمت‌های سیر صعودی را بخود اختیار کردند.

چنان‌که کشورهای جهان مصمم بر آن شدند تا سیستم معیار باثبات طلا را دوباره قبل از تساوی جنگ در سال ۱۹۲۵ دوباره اعاده نمایند، سقوط سطح قیم الزامی بود که در نتیجه منجر به تحریک پالیسی‌های دیفلاسیونی گردید. بناءً توقع سقوط سطح قیم به ایجاد یک محیط مساعد با برای رشد قیمت‌های انعطاف‌پذیر و دستمزدهای اسمی کمک کرد. در بین سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۲۹، سقوط سطح قیم و افزایش محصولات این دیفلاسیون، دست‌اوردهای توسعه‌سومند را امکان‌پذیر ساخت که انعکاس‌دهنده افزایش ظرفیت اقتصاد کشورها در فراهم‌سازی کالاها و خدمات بیشتر میباشد. بعد از جنگ جهانی دوم بدین سو، تعداد حوادث بسیار اندک دیفلاسیونی به سطح جهانی رخ داده است، و صرف انگلستان یک اوسط انفلاسیونی ۷٪ را تجربه نموده است و بس.

در بین سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۵، یک تورم پولی باز در سطح قیم دارای در پیوند با بحران مالی در سیستم بانکی جهان منتج به دیفلاسیون فوری در این کشور گردید که در اثر آن سطح قیم مصرف‌کننده‌گان به تناسب ۵,۰٪ سالانه سقوط کرد. بنابراین، استدلال بی‌ثباتی سطح قیم در کوتاه مدت فقط به ضریب نسبی بلند تناسب تغییرات قیم در یک مدت زمان خاص در سیستم باثبات معیار طلا وابسته میباشد (طوری که توسط بارود ذکر گردیده بود). اما ضریب تغییرات سطح قیم یک آمار احصائیوی ناپیدار بلند میباشد، زمانیکه اوسط ارقام مجموعی نزدیک به صفر تقرب نماید، قسمیکه در قضیه انفلاسیون نسبی پایین و پایدار طویل‌المدت در یک مدت زمان خاص در سیستم معیار باثبات طلا صورت می‌گیرد.

بناءً ضریب تغییرات بلند یک بی ثباتی ساختگی کاذب کوتاه مدت را در یک دوره زمانی خاص سیستم باثبات طلا نشان داده و یک تغییرات احصائیوی نامناسب و مقیاس اندازه گیری ناقص می باشد.

بنابراین به مراتب دور از ادعای کاذب بی ثباتی بازارها، تغییرات سطح قیم در اطراف میانگین پایین بشکل واقعی، اشاره میدارد که بازارها سکنال های موثری برای مولیدین و مصرف کننده گان فراهم میسازد تا بطور فعال در فعالیت های اقتصادی شان در جریان مدت تطبیق سیستم معیار باثبات طلا مصروف باشند. پس در واقعیت امر، افزایش بی سابقه در سطح محصولات تولیدی صنعتی و زراعتی و رشد تجارت بین المللی در دوران انقلاب صنعتی واضحاً بیان میدارد که تطبیق سیستم معیار باثبات طلا ظاهراً هیچگونه اثرات منفی و یاهم تاثیر طویل المدت سوء بر اقتصاد نداشته است. این موضوع یک رشد $0,5\%$ را در عاید سرانه تولیدات ناخالص بریتانیا در بین سال های $1750-1850$ نشان میدهد که در مدت زمان تطبیق سیستم معیار باثبات طلا زمینه را برای رشد نفوس و انفلاسیون بهتر مساعد ساخته بود.

رشد اقتصادی یکنواخت معمولی این مطلب را بیان میدارد که سیستم باثبات طلا هیچگونه اثرات منفی اساسی بر فعالیت های اقتصادی نمی داشته باشد. پس فعالیت های اقتصادی همراه با انفلاسیون و تزئید اوسط عاید نفوس افزایش می نماید، علی رغم اختلاف اصلی در سطح عاید و ثروت ایجاد شده توسط کپیتالیسم. بنابر این، مشاهده تجربه های بریتانیا در مدت زمان بین سال های $1750-1914$ ، طبق سیستم باثبات طلا با دهه های بعدی طبق متناوب و جزئی این سیستم مقایسه شده می تواند.

سیستم باثبات طلا در بین سال های $1915-1925$ و سال های $1932-1945$ با یک رشد انفلاسیونی $5,4\%$ و بترتیب 8% ترک شده بود. و در بین سال های $1946-1971$ سیستم باثبات طلا بطور جزئی از طریق سیستم بریتون و دز تطبیق گردیده و سطح انفلاسیون بطور ناچیز به بالاتر از 4% در این مدت سالانه افزایش نموده بود. بعد از نابودی سیستم بریتون و دز انفلاسیون در انگلستان بسیار متغیر گردید که در سطح بیش از 8% در مدت بین سال های $1972-1993$ سالانه با بکار انداختن ارزهای کاغذی حکمی افزایش نموده بود.

بنابر این، سیستم باثبات طلا یک ارز را فشار میدهد تا به شکل نسبی باثبات سیستم پولی را منظم سازد تا اینکه سطح پایین انفلاسیون را در یک مدت انفلاسیونی مناسب ممکنه، تامین کند. در مقابل ارزهای حکمی کاغذی تمایل بیشتر به ایجاد انفلاسیون و اکثرا در یک سطح بسیار بلند دارند، حتی در صورت تطبیق سیاست های مالی و پولی محدود کننده انقباضی نیز انفلاسیون بوجود می آید.

دلیل چهارم: مشکلات رشد اقتصادی

دلیل چهارم: سیستم باثبات طلا غیر ارتجاعی است و با مقدار کمیت پول در تناسب با حجم فعالیت های اقتصادی مطابقت نمی تواند. این غیر موثریت ارز سیستم باثبات طلا منجر به بیکاری بلند یا بیکاری دورانی شده میتواند.

رد استدلال: مشکل واقعی عدم موجودیت طلای کافی نمی باشد، بلکه واقعیت اینست که در جهان دالر بی اندازه وجود دارد. بنابر این، سیستم باثبات طلا مبلغ پول کافی را در تناسب با رشد اقتصادی تامین ساخته میتواند تا اینکه رشد واقعی و پایدار اقتصادی را تضمین نماید. نقطه اول: طرفداران سیستم باثبات کاغذی حکمی همیشه وقت استدلال مینمایند که طلای کافی برای تمویل اقتصاد جهان و معاملات بین المللی وجود ندارد. مقدار طلای مجموعی استخراج شده جهان تقریباً ۱۶۵,۰۰۰ تن تخمین شده بود. پس اگر قیمت یک اونس طلا را ۱۵,۰۰۰ دالر امریکایی فرض نماییم، ارزش مجموعی تمام طلاهای استخراج شده جهان تقریباً بالغ به ۶,۸ تریلیون دالر امریکایی می گردد. این مبلغ کمتر از ارزش تمام دالرهایی که صرف در اقتصاد ایالات متحده امریکا در گردش است، میباشد. زیرا تنها ۱,۴ تریلیون دالر در گردش و ۱۱ تریلیون دالر دیگر در سرتاسر سیستم بانکی امریکا منحیث دپازیت وجود دارد.

مشکل واقعی این نیست که طلای بسیار کم موجود است بل حقیقت این است که دالر به شکل فراوان وجود دارد. ایالات متحده برای اینکه ضروریات اقتصادی خود را مرفوع سازد دست به چاپ مداوم دالر (واحد پولی امریکا) می زند، چرا که اعم بازارهای جهانی کالا و بازارهای بین المللی مالی همه به اساس دالر قیمت گذاری شده است.

تجاوز سهام پول در جهان از حد ارزش اقتصاد جهانی بسیار زیاد است. صنعت بانکداری پول را از طریق قرضه ها و وام مسکن فراهم می سازد. اینجاست که طرفداران فیات (پول بدون پشتوانه) استدلال می نمایند که به هر اندازه ای که سرمایه گذاری پولی در اقتصاد بیشتر باشد، رشد بیشتر خواهد کرد. در واقع پول بیشتر باعث گردیده تا انفلاسیون (تورم پولی) بیشتر ایجاد شود. ضرورت برای ایجاد رشد اقتصادی ابدی، پالیسی سازان اقتصاد غرب را برانگیخته تا همواره پول بیشتر را چاپ نمایند که این عمل پیهم باعث ایجاد ورشکستگی اقتصادی شده است. موضوع اساسی در این نکته کافی نبودن طلا در جهان نیست بل بی ثباتی ای است که فیات بدون محدودیت را به اقتصاد ملی در می آورد.

نکته دوم: طرفداران فیات استدلال می نمایند که پول نقش حیاتی را در اقتصاد بازی می کند چون که موجودیت مقدار پول کافی برای انجام معاملات در اقتصاد یک ضرورت است. به هر اندازه ای که معاملات بیشتر صورت بگیرد به همان پیمان پول بیشتر تولید می شود.

مونیتاریست ها (طرفداران مکتب پولی) به حد زیاد در این مورد گفتگو نموده اند و اظهار می دارند که دست برداشتن از همچون ابزار اقتصادی بمعنی دستبند زدن یک حکومت است. با سیستم واحد پولی طلا نیاز است تا بمنظور کاهش فرآورده پولی، طلای جدید استخراج گردد و این بالای رشد اقتصادی تاثیر خواهد نمود. رشد اقتصادی سرمایه داری نیازمند است تا رشد اقتصاد دایمی باشد که این به نوبه خود به مشتریانی ضرورت دارد تا به شکل مداوم مصرف نمایند و این دسترسی به وام را به پیمان عظیم اجازه می دهد. اقتصاددانان قبلی فیات به این باور اند که توانمندی برای چاپ پول بطور آزادانه منجر به تحرک رشد اقتصادی می شود. در حالیکه برای انجام معاملات مقدار مشخص پول ضرورت است. تقریباً در تمام موارد مرتبط به اقتصاد فیات، مقدار پول همواره از حد فعالیت اقتصادی تجاوز می کند که باعث ایجاد انفلاسیون و بی ثباتی در اقتصاد می شود.

دهه گذشته شاهد تحریک رشد اقتصادی در بخش مالی بود یعنی این دهه انجن محرک برای اقتصاد غرب بشمار می رود. این از طریق ایجاد نزدیک به ۱۰۰۰ تریلیون دالر بصورت مصنوعی باعث برانگیختن مسکن حباب شد که جوانب دیگری اقتصاد جهان را به تحرک آورد. همه ی این تنها با مبلغ ۵۰ تریلیون دالر اقتصاد جهان واقعی بوقوع پیوست که این یک

رشد کاذب، مصنوعی و ناپایدار در اقتصاد بود و حال آنکه بحران اقتصادی و اثرات ناگوار آن همه بسیار واقعی اند.

سیستم واحد پولی طلا مقدار کریدت (اعتبار پولی) را در اقتصاد جهانی محدود خواهد نمود و تضمین می کند که کریدت محرکه حساب هیچگاهی به خود وجود خارجی (مادی) نگیرد. از آنجاییکه دستیابی به نقدینگی (قابلیت تبدیل به پول) از طریق چاپ نمودن و یا کریدتی که بخش اصلی آن از سود است صورت گرفته نمی تواند پس فعالیت های تولیدی که به رشد می انجامد پایدار و خطر آن کمتر است. رشد ناپایدار هنگامی صورت می گیرد که ادامه رشد بستگی به ایجاد مشکلات اقتصادی-اجتماعی داشته باشد که این عامل بالقوه بصورت مکرر در سیستم کریدتی که بخش اصلی آن از سود است قابل مشاهده است. رشد اقتصادی، بیکاری و ایجاد پول؛ نیاز است که تمام اینها از هم فرق شوند. رشد اقتصادی با اصطلاحاتی چون بیکاری به سطح پایین و انفلاسیون قابل اداره با هم هممعنی شده اند. رشد اقتصادی در هر کشور بیشتر از این عوامل است. رشد اقتصادی همچنان می تواند توسط کار بصورت رقابتی و بازار های مصرف به حرکت بیاید و یا هم می تواند توسط نوآوری و زیرساخت قوی عامه به تحرک آمده و حمایت شود. این ابزار جانبی عوامل هر آن انفلاسیونی را که از جانب تقاضا از بخش اقتصاد ایجاد شود، جذب می کند. بنابراین بدون درنظرداشت عرضه در اقتصاد، ایجاد پول به امید بوجود آوردن تقاضا تنها و تنها به بلند رفتن نرخ ها می انجامد و بس.

دلیل پنجم: نرخ بلند تولید

سکه به عنوان ضیاع تولید

دلیل پنجم: استفاده از طلا و نقره نیازمند هزینه استخراج و معدن و حمل و نقل آن است که یک بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی یک ملت را شکل می دهد. این موضوع منجر می شود تا برای آن تلاش با ارزش اختصاص داده شود اما می تواند از آن اجتناب هم صورت بگیرد.

رد استدلال: ضمن اینکه ارزش تولید کاغذ در مقایسه با ارزش استخراج، معدن و حمل و نقل طلا شاید ناچیز در نظر گرفته شود ولی این ارزش مجموعی برای نظام پولی فیات بوده که قابل توجه است.

بعضی از اقتصاددانان پرنفوذ و مولد برآورد می کنند که ارزش منابع طلا (استخراج معدن، تصفیه، سنجش، ذخیره سازی و محافظت) می تواند به ۴ فیصد تولید ناخالص داخلی برسد. به این ترتیب اگر سکه ای رمز و یا پول فیات بتواند در بدل ارزش ناچیز منابع وسیله تبادله باشد، این تخصیص نامناسب بدون نیازی از منابع است.

کشور	% تولید ناخالص ملی
سویدن ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ م	۳,۶
ایالات متحده امریکا ۱۹۸۸ م	۳,۷
اسپانیا ۱۹۷۷ الی ۱۹۸۵ م	۱۶,۸
ونزوئلا ۱۹۹۴ الی ۱۹۹۵ م	۱۸
مکسیکو ۱۹۹۴ م	۱۹,۳
جاپان ۱۹۹۷ م	۲۴
چیلی ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۳ م	۴۱,۲
تایلند ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۰ م	۴۵
مالیزیا ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۰ م	۴۵
ارجنتاین ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۲ م	۵۵,۳
کوریای جنوبی ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۰ م	۶۰

جدول دوم: ارزش کمک مالی بانک به رقم % تولید ناخالص داخلی، منبع: دفتر ارقام ملی قبل از آنکه در مورد ارزش سیستم واحد پولی طلا بحث شود، اهمیت دارد تا ارزش سیستم

پولی فیات و مهمتر از آن ارزش عواقب ی از تطبیق سیستم مذکور را در ذهن سپرد. یکی از عواقب بارز آن ارزش، آزاد کردن اقتصاد است. تا یک اندازه ی مثال ساده قدیمی در مورد، در ذیل داده شده است.

بند دیگری از منتقدان سیستم واحد پولی طلا این است که آنها فرض می کنند که فعالیت های استخراج طلا، تصفیه آن، به میلۀ درآوردن و یا به سکه ضرب زدن آن، ذخیره سازی و بالآخره محافظت آن همه بصورت کل فعالیت های بی فایده و ناقص است که همه ی اینها تحت فرضیه ی ضمنی قرار می گیرد اما در سیستم فیات همچون فعالیت ها متوقف خواهد شد. ولی آن موضوع می پندارد که تحمیل سیستم پولی کاغذ باعث می شود تا طلا ارزش پولی خود را از دست دهد. در حالیکه استخراج، تصفیه، ضرب، ذخیره و محافظت طلا ادامه داشته و باز هم موجب ارزش منابع می شود. در رابطه به موضوع اداره غیر مسئولانه پولی در واقع شاید ارزش منابع طلا تحت سیستم پولی کاغذ نسبت به تنها خود سیستم واحد پولی طلا بیشتر به تحرک آمده باشد.

سرانجام بعضی فرضیه های نادرست ی وجود دارند که منجر به هزینه برآوردی بلند برای ارزش منابع طلا می شوند، به عبارت دیگر به عهده گرفتن آن عرضه طلا کاملاً انعطاف پذیر (دارای واکنش تند نسبت به تغییر قیمت) است. در واقع عرضه طلا تا اندازه ی انعطاف ناپذیر (آنچه که با تغییر عرضه و تقاضا، قیمت آن دستخوش تغییر نمی شود) است. تقاضای فزاینده برای پول در اقتصاد در حال توسعه، منجر به منابع اضافی اختصاص داده شده برای استخراج طلا می شود. اثر برجسته افزایش در تقاضا برای طلا یا انعطاف ناپذیری عرضه نسبت به اینکه اثر مقدار باشد، اثر قیمت خواهد بود. بعضی افزایش در مقدار عرضه طلا خواهد بود، به علت اثر قیمت اما این افزایش در مقایسه با افزایش در تقاضا کوچک خواهد بود. ارزش منابع استخراج طلای اضافی بهمان نسبت کوچک خواهد بود.

باید در نظر داشت که طرفداری از سیستم واحد پولی طلا لزوماً به این معنی نیست که میلۀ های طلا را جمع نمود تا آنرا در معاملات تجارتي روزمره بکار گرفت. یک سیستم واحد پولی طلا تا زمانی کاملاً به شکل خوب کار می دهد که هر پول کاغذی در جریان استفاده معادل به مقدار معین ارزش طلا در اقتصاد باشد.

مطالعه ارزش منابع تولید طلا به تنهایی یک تقریبی ناچیز از مجموع نرخ هاست. مقایسه ارزش منابع طلا در برابر ارزش منابع کاغذ موضوع را معین نمی سازد، ما باید به هزینه فرصت از دست رفته نظر داشته باشیم تا به نداشتن سیستم واحد پولی طلا. در اصل این بدین معنی است که فرصت های از دست رفته در اقتصاد را از منافی که شامل یک واحد پولی پایدار و استوار می شود، درک نمود. پس ضمن اینکه ارزش تولید کاغذ نسبت به ارزش استخراج، معدن و حمل و نقل طلا ممکن است ناچیز در نظر گرفته شود، این ارزش مجموعی در نظام پولی فیات است که باید مد نظر گرفته شود که قرار ذیل اند:

۱- ارزش انفلاسیون القائی (تشیویتی) تخصیص نادرست منابع از سیستم پولی فیات. بدین معنی که پول کاغذی یک بخش مهم و تسهیل کننده برای ایجاد بی عدالتی در میان طبقه پولدار و فقیر به سبب محرک بودن اش برای رشد انفلاسیون است؛

۲- ارزش جناح سیاسی رقابت کننده برای قدرت ماشین چاپ؛

۳- ارزش تحمیل گروه های مشترک المنافع خاص در کوشش شان برای متقاعد کردن افراد دارای قدرت و نفوذ تا از ماشین چاپ سوء استفاده نمایند.

از اینرو در جداسازی که در آن ارزش طلا با ارزش فیات مقایسه می شود در تاثیر شان همسان اند قسمی که گفته شود ریگ نسبت به کانکریت ارزاتر است و لذا باید برای طرح ریزی تهداب یک ساختمان استفاده شود. عمارت بسیار بزرگ از بازارهای سرمایه داران در حضور چشمان ما فاسد شده اند یعنی تمام آنها مبتنی بر سیستم فیات اند پس کی علیه پرداخت برای این بنیاد مستحکم استدلال خواهد کرد؟

دلیل ششم: مشکل سازگاری

دلیل ششم: سیستم واحد پولی طلا با سیستم پولی فیات سازگار نیست و موثریت آن مبتنی بر اقتصاد بدون نفع است.

رد استدلال: در واقع این دو سیستم بمانند تباشیر (گچ) و پنیر است. اگر کشوری که به اساس سیستم واحد پولی طلا عمل می کند آغاز به چاپ پول نماید، پول کاغذی ارزش خود را از دست خواهد داد و مردم از خزانه داری کاغذ کم ارزش را به طلا تبادل خواهند کرد و یا

هم به ذخیره نمودن طلا اقدام خواهند نمود. اقتصاد اسلامی مبتنی بر طلا از سود جلوگیری می نماید که باعث نخواهد شد تا سبب تقویت ایجاد کردیت شود. بدین وسیله این باعث تضمین استحکام و همبستگی سیستم واحد پولی طلا می شود.

طلا و یا سیستم واحد پولی طلا و نقره با سیستم پولی فیات اصلاً سازگار نیستند. در واقع این دو سیستم همانند تباشیر و پنیر است. اگر کشوری که به اساس سیستم واحد پولی طلا عمل می کند آغاز به چاپ پول نماید، در سیستم فیات پول کاغذی ارزش خود را در مقایسه با طلا از دست خواهد داد و مردم از خزانه داری، کاغذ کم ارزش را به طلا تبادل خواهند کرد و یا هم به ذخیره نمودن طلا دست خواهند زد. این باعث تضعیف اقتصاد و تضعیف رشد آن خواهد شد. بنابراین سیستم واحد پولی طلا دارای یک میکانیزم تحکیم داخلی عادی است که از پیامد انفلاسیون و چاپ پول کاغذی جلوگیری می نماید.

پس از نابودی سیستم واحد پولی طلا سیستم های پولی فیات عرضه پول را به حدی بسیار بزرگ توسعه داد، البته با نتیجه ی که حالا این سیستم پولی بیشتر برای کاهش انفلاسیون مورد هدف است. حتی انفلاسیون وسیله تنبیه قرار گرفته است.

"به شکل کل در دوره ی میان سال های ۱۷۵۰ و ۱۹۳۸ م یعنی قبل از آغاز جنگ جهانی دوم، نرخ ها بسیار کم یعنی سه برابر بلند رفت و پس از آن نرخ ها بیشتر از ۴۰ برابر افزایش پیدا کرد." قیمت مصرف کننده انفلاسیون پس از ۱۷۵۰ م، دفتر ارقام ملی بریتانیا نقل قول در فوق اعتبار ارقام ملی بریتانیا قیمت مصرف کننده انفلاسیون را غالباً در جریان دوره حاکمیت سیستم واحد پولی طلا در میان سال های ۱۷۵۰ الی ۱۹۳۸ م با یک سیستم مشخص مقایسه می کند که در آن هنگام سیستم فیات مورد استفاده قرار داشت.

این وضعیت موجود در بریتانیا بالای تمام جهان صنعتی بازتاب یافت. با وجود این، عرضه متناوب باعث تکان دادن فشار تورمی اساسی شد که سبب شد تا قیمت ها به ۴۰ برابر افزایش پیدا کند و این تغییرات بخاطر توسعه در عرضه پول آمده است. این بوضاحت با مثال می فهماند که در حقیقت امروز عرضه پول جهان نسبت به اقتصاد اصلی تقریباً به ۵,۵ برابر وسیع تراست قسمی که در جدول پائین نشان داده شده است.

\$ تریلیون	عرضه جهانی پول
۲۲	پول باریک
۷۵	پول پهن
۱۰۵	کریدت داخلی
۶۰	قرضه خارجی
۱۰	انبار تبادلہ خارجی
۲۷۲	مجموع اساس پول فیات
۵۰	تولید ناخالص داخلی جهان
۵,۴:۱	نسبت پول فیات به تولید ناخالص داخلی

جدول سوم: عرضه جهانی پول (۱ تریلیون \$) منبع: کتاب حقایق CIA

سود هزینه فرصت برای سرمایه است باعث سوق دادن رشد در ایجاد کریدت شده است که این تجدید نیرو برای توسعه عرضه پول می باشد. اقتصاد اسلامی مبتنی بر طلا باجودیکه قرض گرفتن و قرض دادن را حلال نموده ولی سود را حرام نموده است که باعث تجدید نیرو در ایجاد کریدت نخواهد شد. بدین وسیله این باعث تضمین استحکام و همبستگی سیستم واحد پولی طلا می شود.

دلیل هفتم: نظارت

دلیل هفتم: حکومت ها چطور در امر برقرار داشتن سیستم واحد پولی طلا قابل اعتماد بوده می توانند. بطور مثال ایالات متحده به دلیل چاپ بیشتر دالر نسبت به پشتوانه ی طلای آن در اخیر سال ۱۹۶۰م متهم شد البته قبل از آنکه موافقت نامه "برتن وودز" را ترک کند. رد استدلال: اسلام واحد پولی ۱۰۰ درصد با پشتوانه ی طلا را واجب قرار داده و آن را

موضوع اختیاری نگذاشته است. این موضوع به اساس آیات مختلفی از نصوص متنی قرآن ثابت است. برای دولت اسلامی نگه داشتن ۱۰۰ فیصد نسبت پشتوانه ی پولی یک موضوع عقیدوی است که ارتباط به ایمان دارد و حکم به برکناری هر آن حاکمی خواهم نمود که اگر وی بصورت آشکارا از عرضه پول در نظام اقتصادی سوء استعمال نماید.

بسیاری به این باور اند که نگه داشتن ۱۰۰ فیصد پشتوانه پولی برای یک سیستم واحد پولی طلا یک امر ناممکن است و بنابر علتی علیه این سیستم سخن گفته اند. این بخش در واقع به تحلیل و تجزیه نظارت از دیدگاه کاربرد و اجرای سیستم واحد پولی طلا و چک و بیانس ها می پردازد.

رژیم واحد پولی سیستم طلا براساس آن کار می کند که مقدار پول (کاغذ یا سکه) در اقتصاد توسط طلا به شکل ۱۰۰ فیصد پشتوانه گردد. ابدأ نرخ در میان پول رایج (قانونی) و یک گرام طلا به صورت تمام پشتوانه گردد که این از جمله مشخصه و ویژگی این رژیم واحد پولی می باشد.

در طول تاریخ قدرت های جهان گاه گاهی بنابر صورت گرفتن جنگ ها و پرداخت مجدد قرضه ارتباط را در میان پول و طلا شکستانده اند. این نابکاری یکی از دلایل کلیدی از پیش کسوت ها علیه نظام پولی فیات است.

وجود یک میکانزم نظارت در سیستم واحد پولی کاغذی امر ضروری برای تضمین اجرای بدرستی سیستم واحد پولی طلا می باشد. بسیاری از پیش کسوتان ضد طلا به این باور اند که وجود یک نسبت ۱۰۰ فیصدی پشتوانه ی پولی به علت کافی بودن طلا در جهان یک امر ممکن است و چنانکه حکومت ها بالای عرضه پول انحصار واقعی خود را دارند، هیچ میکانزمی وجود ندارد تا اعتبار پشتوانه ی طلا را بر نسبت پول در اقتصاد بررسی نماید. میکانزم نظارتی مهم است به طوری که اعتماد به سیستم واحد پولی مبتنی بر توانائی است که از پشتوانه ی طلا و واحد پولی در حال گردش نظارت کند.

اسلام واحد پولی ۱۰۰ درصد با پشتوانه ی طلا را واجب قرار داده و آن را موضوع اختیاری نگذاشته است. این موضوع به اساس آیات مختلفی از نصوص متنی قرآن ثابت است. برای دولت اسلامی نگه داشتن ۱۰۰ فیصد نسبت پشتوانه ی پولی یک موضوع عقیدوی است

که ارتباط به ایمان دارد و حکم به برکناری هر آن حاکمی خواهیم نمود که اگر وی بصورت آشکارا از عرضه پول در نظام اقتصادی سوء استعمال نماید.

تنظیم بعضی از قوانین توسط دینار، درهم و مثقال دینار را به اندازه اش با طلا، و درهم را به اندازه اش با نقره معادل می سازد که این واحد پولی برای اندازه گیری ارزش کالاها و خدمات بحساب می آید.

اسلام ارتباط احکام شرعی را با طلا و نقره توسط نص برقرار نمود، مخصوصاً احکامی که مرتبط به پول است و این دلیلی است که تاکید می ورزد طلا و نقره حیثیت پول را دارد. به این ترتیب اسلام به طلا ضرورت دارد تا بصورت قطعی پول رایج آن در دولت خلافت باشد. هنگامی که اسلام ذخیره سازی ثروت را حرام کرد این تحریم بطور خاص شامل طلا و نقره می شد با وجود این واقعیت که ثروت شامل بعضی ملکیت های دیگر نیز می شود که توسط افراد بدست آمده می تواند. هرچند انباشتن در پول بازتاب می یابد نه در کالاها و خدمات. اسلام طلا و نقره را با تعدادی از قوانین مرتبط نموده است. ازینرو اسلام سیستم واحد پولی طلا را در عمل و اصل واجب قرار داده است، بدین معنی که جدا از موضوع ارتباط اش با ایمان، حکم برکناری حاکمان در صورت عدم تطبیق درست سیستم لازم الاجراء است.

شیوه ی دیگری که از طریق آن سیستم واحد پولی طلا می تواند نظارت شود همانا میکانزم عادی است که عبارت از میزان یا سطح نرخ ها در کشور می باشد. اگر میزان عمومی نرخ ها وابسته به اقتصاد بدون ربط کدام تعریفی از تغییر در بازارهای تولید (عوامل موثر در بازار) بلند رفته و یا نزول کند پس آن به این دلیل باید باشد که میزان عرضه پول در اقتصاد تغییر کرده است. اگر همچون واقعیتی باشد پس از حاکم پرسش صورت گرفته می تواند که تا همچون پدیده ی را تشریح نماید. توانائی برای نظارت همچون میکانزم و رسمی ساختن آن از طریق یک کمیسیون (هئیت بررسی) و یا جرم نظارتی سبب به بار آمدن اعتماد به دولت و به سیستم واحد پولی طلا می گردد.

طبق قانون گرشام، بدون موجودیت یک سیستم نظارتی، پول بد پول خوب را از جریان خارج می کند و به انباشتن آن منجر می گردد. یک سیستم نظارتی ضمانت می کند که تناسب مقدار پول در گردش با مقدار طلا در انبار معین باقی بماند و این خود سبب تقویت اعتماد

در سیستم می شود.

در کنار این، یک بازرسی سالانه به شکل مجموع بیلین طلای موجودی انبار در خزانه داری مرکزی همراه با یک ارزیابی از عرضه پول در اقتصاد توسعه یی صورت گرفته می تواند. این باعث می شود تا یک تصدیق از انبار موجودی سیستم واحد پولی طلا به اساس سالانه را ممکن سازد. این کار توسط افراد با تجربه که در همان بخش وارد اند و توسط تیمی که از طرف دولت مستقلانه عمل می کنند به عهده گرفته شود.

در واقع هر آن میکانیزم نظارتی که بتواند از درستکاری عرضه طلا و نقره و اجرای آن به اساس اینکه اسلام آن را منحصیث یک فرض می پذیرد، ضمانت بکند و هرآنچیزی که به تاسیس و دوام آن منجر شود، طلب می شود. قسمی که ادامه سمت حاکم یا خلیفه در دفتر شان تابع اجرای تمام احکام شرعی است و بخاطری که برکناری آن توسط محکمه عالی در آن سرزمین (محکمه مظالم) می تواند تحریم شود، پس از تمام کارکرد های اقتصادی بشمول نگه داری از سیستم واحد پولی طلا و نقره نظارت کاملاً نزدیک صورت خواهد گرفت. این بدلیل مخالفت کامل با اداره و رهبری ایالات متحده می باشد بطور مثال امریکا نمی گذارد تا از انبار طلا واقع در فورت ناکس (محل نگه داری شمش های طلای خزانه داری امریکا واقع در شمال ایالت کنتاکی) بازرسی صورت گیرد.

این بود چک ها و بیلانس های که از درستکاری سیستم واحد پولی طلا ضمانت می کند و از اعتمادی که افراد با صلاحیت در امر نگه داری آن می کوشند.

دلیل هشتم: مشکل جهانی عدم تقارن (ناهمودی)

دلیل هشتم: سیستم واحد پولی طلا از عیب ساختمانی که در اجرای آن درصحنه بین المللی وجود دارد رنج می برد. پالیسی های که از جانب ملت ها به اجرا در می آید می تواند تاثیر سود دار (پیشقدر دار) بالای وضعیت اقتصادی ملت های دیگر داشته باشد. ترک شدن سیستم واحد تبادله پولی طلا در جریان دو دوره جنگ جهانی گواه این مشکل است.

رد استدلال: از بازرسی سیستم واحد تبادله پولی طلا معلوم می شود که نه سیستم حاکم بصورت تمام مبتنی بر طلا و نقره بوده و نه هم تطبیق آن به اساس اصول و اولویت های بجا

و درست صورت گرفته است. اسلام موجودیت سیستم کامل از طلا و نقره واجب قرار می دهد و اصول آن به تنظیم میزان پرداختها بدون مداخله بانک های مرکزی اجازه می دهد. چالش های که در اثر تعامل با رژیم تبادل طلا به یک دولت در حال ظهور رخ می دهد با ذکر بعضی از پالیسی معقول در ذیل به تشریح گرفته می شود.

دو علتی که ادعای عدم تقارن جهانی را در زیر آشکار می سازد قرار ذیل اند:

۱- عدم تقارن در پاسخ وابسته به پول به طلا در میان کشورهای درگیر کسر درآمد و آن کشورهای که درآمد آن در حالت افزایش است، جریان دارد. اثر مطلوب به این معنی خواهد بود که کشورهای با درآمد بلند نیاز دارند تا عرضه پول را کاهش دهند و از تورم پولی بکاهند، در حالیکه کشورهای با درآمد کمتر و دچار کسر درآمد باید عرضه پول را افزایش داده و سطح تورم را بلند ببرند. مشکل ارتباط می گیرد به دشواری قرار دادن تحریم ها تا مانع کشورهای درگیر کسر درآمد از جریان تولید طلا و جمع نمودن انبار آن شود و آن هم در صورتی که برای اهداف داخلی مطلوب به نظر بیاید.

۲- مقررات تفاضلی انبار بانک های مرکزی، دادن بعضی اختیارات بیشتر پولی نسبت به دیگران در معامله با بحران. با انبار کسری، رابطه میان جریان طلا و کاهش در عرضه پول یک بر یک نبود؛ با ۴۰ فیصد مقررات انبار؛ بطور مثال تاثیر بالای عرضه پول از ناحیه جریان طلا ۲,۵ بار بیشتر از ضرر بیرونی بود. این تغییرات در سراسر کشورها باعث بوجود آمدن اثرات تیز(زننده) در سیستم می گردد.

به منظور خطاب این مشکل نیاز است تا در قدم اول چه چیز مرجع برای سیستم واحد تبادل پولی طلا است و در قدم دوم دلیل تأسیس آن چه است و چرا بعداً این سیستم ترک شد.

سیستم واحدپولی طلا توقع می رود که دارای بعضی ویژگی ها منجمله قابلیت تبادل پول داخلی و طلا به قیمت ثابت، آزادی برای صادره و وارده خصوصی طلا و قوانین برای نسبت پول در حال گردش در ذخیره طلای همان کشور. هنگامی گفته می توانیم که یک سیستم واحد بین المللی پولی طلا موجود است که تعدادی از کشورها به این اصول پابندی داشته باشند.

ادبیات معاصر غربی بصورت عموم اشاره می کند که سیستم واحد پولی طلا به میزان جهانی

از سال ۱۸۸۰ الی ۱۹۱۴م مورد استفاده بود که قبل از آن بسیاری از واحد های پولی مورد کاربرد مبتنی بر سیستم واحد پولی نقره بود. بطور مثال بریتانیا از سیستم واحد پولی طلا کار می گرفت درحالی که ایالات متحده و فرانسه به اساس سیستم واحد پولی دو فلزی پیش می رفتند.

ضروری است تا به بعضی از روش های تذکر بعمل آورد که به اساس آن این کشورها به سیستم واحد پولی طلا پایبندی داشتند: بعضی از کشورها مثل بریتانیا داری سیستم قابلیت تبادل عادی بود و در کشورهای دیگر مثل فرانسه قابلیت تبادل در اذهان مقامات دولتی بود. سیستم پوشش (مقدار واحد پولی مرتبط به پشتوانه ی طلا) هم به اشکال مختلف مورد استفاده بود. سیستم امانتی (وابسته به نگه داری چیزی به اساس قیم یا امانتی) به مقامات دولتی اجازه می داد تا دست به ایجاد بعضی از واحد پولی بی پشتوانه با مقدار مشخص بزنند در حالیکه به واحد پولی باقیمانده دیگر ضرورت داشتند تا کاملاً توسط طلا پشتوانه گردد مثلاً انگلستان. سیستم تناسبی با تمام واحد پولی بطور یکسان عمل می نمود ولی به بانک های مرکزی اجازه می داد تا نسبت کمتر از ۱۰۰ فیصد را نگه دارند مثلاً هالند. ترکیبی از سیستم تناسبی و امانتی را مثلاً جرمنی تعقیب می کرد. و انعطاف پذیری را در انبار اجازه می داد تا به افت پائین تر از حد اقل حقوقی بر اساس پرداخت یک مالیه و یا صلاحیت وزیر مالیه برسد مثلاً فرانسه.

این کشورها سیستم واحد پولی طلا را مورد اجرا قرار می دادند چون که بصورت وسیع به این باور بودند که این سیستم زمینه ثبات را در ارزش نرخ و تبادل آن فراهم می سازد. قابلیت تبادل بررسی بالای ثبات قیمت و تورم مالی را تضمین نموده و در واقع مشوق تخصص داخلی و پلان سازی دراز مدت است. با یک تبادل نرخ پایدار تجارت بین المللی می تواند با حداقل خطری تلفات سرمایه انجام شود که سیستم واحد پولی طلا این را بحیث یک مباحثه کوچک ارائه نموده است.

قابلیت تبادل با وقوع جنگ جهانی اول معلق شد تا جائی که کمبود هزینه توسط ایجاد پول سرمایه گذاری شد و توسط وطن پرستان کمک شد، صرفنظر از مشکلاتی که در جریان بین المللی سکه و جبران طلا وجود داشت. توقف دشمنی انفلاسیون پایدار را برجسته نمود و

باعث تفسیر نگهداشت از برابری غیر عملی قبل از جنگ شد البته به استثنای ایالات متحده. حال آنکه توقع گسترده برای بازگشت به سیستم واحد پولی طلا وجود داشت. سلسله ی از کنوانسیون ها و کمیته ها برای حصول اطمینان خویش سرگرم چاره ی دیگری نشدند جز اینکه سیستم واحد پولی طلا را نه تنها خواستنی بل برای نوسازی ضروری بسازند.

در جریان سال های دو جنگ جهانی در حدود ۵۰ کشور با ظرفیت های مختلف در سیستم بین المللی واحد پولی طلا سهم گرفتند. بسیاری از کشور ها تصمیم به قابلیت تبادل کاهش ارزش نرخ تبادل گرفتند، دیگران مجبور به خارج شدن از سیستم واحد پولی طلا شدند به خصوص نصفی از این کشور ها با پیروی از بریتانیا در سال ۱۹۳۱ م از سیستم واحد پولی طلا خارج شدند. تشریحات مذکور برای این اجرای نارضایت بخش است که دلیل عدم تقارن را در مخالفت با سیستم واحد پولی طلا به جلو می کشاند. گزارش ۱۹۳۱ م مک میلان بسیاری از آنها را شامل می شود به ویژه توسط جان مینارد کینز (اقتصاددان انگلیسی) کمک می شد که ضرر تولید را پیش بینی کرد و استخدام که ظاهراً بمنظور بازگرداندن سیستم واحد پولی طلا، بیلانس خارجی را مبادله نمود.

در مورد این همچنان فکر شد که بازگشت به سیستم واحد پولی طلا منجر به تلاش برای طلا، هل دادن ارزش جنس طلا از طریق دیفلاسیون رقابتی می شود. کمیسیون مالی این کنفرانس توسط رابرت هورن ریاست شد که بعداً این ریاست به خزانه دار بریتانیائی اکس چک ور داده شد و در نتیجه قطعنامه واحد پولی مطرح شد که شامل طرح کلیدی و پیشنهادات سیستم واحد پولی طلا بود.

ضعف جدی سیستم تبادل طلا تغییر پذیری بود که به اساس آن بانک های مرکزی متکی به تبادل ذخایر بودند. این در واقع به انگیزه کشور های که در جریان دهه اوائل قرن اخیر سیستم تبادل طلا را اتخاذ نموده و به آن پایبند شدند روشنی می اندازد. بعوض درنظر گرفتن منافع مشترک شان در امر جلوگیری از دیفلاسیون، آنها تمایل به غفلت از عواقب بیرونی ناشی از اعمال شان نشان دادند.

این حالت باعث شد تا سیستم واحد پولی طلا بحیث مقتضی موقت توسط کشور های چون فرانسه، جرمنی، ایتالیا و پولند مورد استفاده قرار بگیرد. این همچنان به حیث دستگاه

حمایت بریتانیا دیده می شد تا بدون تنظیمات داخلی لازم، به توازن و برابری قبل از جنگ بازگشت نموده بتواند. پیچیدگی بی جا، توجه برای انحراف ثابت از عملیات واقعی برای تحلیل و تجزیه یک تصویر تیره و تار را پیشکش نمود. کشور های که بصورت عموم فاقد نظم و اولویت های دقیق اند و یک تصور غیر منصفانه را با خود حمل نموده اند در درجه اول کسانی بوده اند که نظریات نامساعد و بد را به سیستم واحد پولی طلا ترویج داده اند.

سیستم واحد پولی طلا و نقره مبتنی بر اسلام

اسلام از یک سیستم واحد پولی طلا و نقره واقعی طرفداری می کند که نظم واصل آن توسط دستور واجبی (قانون اساسی) دولت تضمین شده بعوض آنکه تحت اصلاح دید نظر مالی و اصلاحات آن قرار بگیرد. طلا و نقره تنها واحد و معیار اندازه گیری آن می باشد. از تشریحات تاریخی در فوق واضح می شود که بسیاری از اضرار ناشی از عدم پابندی به یک سیستم مکمل از واحد پولی طلا می شود. ازین رو ارائه بسیاری از ویژگی های آن به این خاطر است تا تنها تاثیر محدود (با این وجود نسبتاً بهتر) بالای اقتصاد داشته باشد.

اسلام سیستم واحد پولی طلا را به اجرا در می آورد تا جایی که نسبت ارزش طلا و نقره توسط تقاضای بازار و میکانزم عرضه مشخص شود. نسبت آن بدون محدودیت باقی می ماند تا از بوجود آمدن فرق در میان قیمت بازار و معیار قانون جلوگیری نماید که به پنهان سازی واحد پولی منجر شده می تواند البته آن کسانی که قیمت های شان بلند رفته و به بازار های خارجی انتقال می کند (قسمی با امریکا توسط طلا و در بریتانیا توسط نقره این کار صورت گرفته است).

ارزش طلا و نقره به قیمت استخراج معدن و تقاضا برای آنها در برابر تولیدات و خدمات تابع است. تمام بحث و گفتگو ها که به سیستم واحد پولی تک فلز قابل تطبیق است به عین شکل بالای سیستم واحد پولی دو فلزی نیز قابلیت مشابه را دارد به استثنای اینکه آن اساس واحد پولی کریدت را توسعه می دهد. اقتصاد جهانی بر اساس افزایش ناگهانی در جریان آن

در معرض قرار نمی گیرد. ناتوانی برای صادر کردن واحد پولی باز انفلاسیون دراز مدت را از بین میبرد اگر کاهش نشود که یکی از ویژگی ثابت سیستم پولی فیات می باشد. سیستم واحد پولی مکمل طلا برای تنظیمات پرداخت های عدم توازن، بدون نیاز به مداخله بانک های مرکزی اجازه می دهد. تنظیمات قیمت های وارده و صادره و ترسی که دولت با ضرر پشتوانه طلا روبرو خواهد شد اگر عدم توازن ادامه پیدا کند، به نوبه خود به نگه داری نظم و اصول کمک می کند. این برعکس آن است که چطور میزان پرداختها از طریق چاپ واحد پولی فیات تحقق می یابد.

بصورت مهم بنابر قیمت های محور بازار، بی سابقگی در تنظیمات میزان پرداختها، سیستم واحد پولی مکمل طلا از ذخایر طلا در یک کشور حمایت خواهد کرد. و این بدان خاطر است که طلا و نقره بحیث ارزش تنها در عرصه کالا و خدمات حرکت خواهد کرد البته با حداقل رساندن نظارت. اجرای سیستم واحد پولی طلا بدون سهم از چالش های آن صورت نمی گیرد مخصوصاً برای کشور های که آنرا در حضور قدرت های بزرگ جهان به اجرا در می آورد که دارای ذخایر و توانائی های بیشتر اند. با وجود آهم وقتی بصورت مناسب به اجرا در آمد، این چالش ها هرچند بیشتر مهار پذیر اند نسبت به سیستم فیات و یا سیستم واحد پولی جزئی طلا. در ذیل چندین گزینه پالیسی ها برای یک دولت راجع به مشکل عدم تقارن و ریشه های آن قابل دسترس است که تشریح می گردد:

- ۱- برنامه برای خودکفایتی توسط کاهش واردات بمنظور جلوگیری از زیان بیشتر طلا و نقره؛
- ۲- کار برای تبادله کالا وارد شده با کالا از دولت نسبت به طلا و نقره؛
- ۳- معاملات محلی می تواند چندین نوع از تبادله متاثر شود که بعضی از آنها شاید منبع مدل های جدید تجارت باشد؛
- ۴- با تنظیم نکردن نسبت قیمت ها میان طلا و نقره از فرار آهن که بصورت قانونی قیمت آن کم است نسبت به قیمت آن در بازار، جلوگیری کردن؛
- ۵- راهی که طلا بدست آمده می تواند، جائی که سپرده بانکی ملکیت دولت مبتنی بر استراتژی می تواند تا اندازه ای از حساب های بانکی داخلی و تجارتنی جدا کرده شود

که باعث تشکیل اساس کریدت می شود و این میتواند عرضه داخلی پول را از میزان پرداخت ها مجزا کند؛

۶- خشتی سازی ترقی و تنزل واحد پولی جهانی می تواند از طریق تصرف ذخایر خارجی بدست بیاید که اساساً و تنها برای صادره و وارده و میزان پرداخت های مورد استفاده قرار بگیرد؛

۷- دادن اساس منابع بزرگ خام جهان سلام تقاضا برای پرداخت مجدد طلا امکانات برای تحریم تنها گزینه های اند که میتوان به دست یافت؛

۸- دادن موقعیت جغرافیائی استراتژیکی به جهان اسلام، که یکی از موقعیت های بسیار موثر برای مرکز طلا بشمار می رود؛

۹- چشم انداز جهان اسلام و نمایندگی آن از مرکز طلا مورد کمک است چون در واقعیت دولت سیستم واحد پولی طلا را به شکل جدی اجرا می نماید و این نشاندهنده یک تعهده ساده است تا بمثابه یک واحد پولی مشهور با پشتوانه ی آن مبدل شود؛

۱۰- کنوانسیون های بین المللی تنها با محترم شمردن سیستم واقعی واحد پولی طلا امضاء می شود؛

۱۱- شفافیت دو طرفه ذخایر طلا و نسبت پوشش آن (توانا ساختن تنظیمات برای میزان پرداختها) می تواند توسط تحمیل بالقوه تعرفه گمرکی مورد تشویق قرار گیرد که می تواند توسط سطح عامل بالقوه تخمین زده شود؛

۱۲- این از جمله تلاش های مبتی بر اولویت های استراتژیکی دولت است که دوباره سیستم واحد پولی طلا را در جهان حاکم بسازد و بدینوسیله از استثمار کشورهای حکمفرما جلوگیری شود.

هنگامی که طلا از محدودیت آزاد کرده شود، بازار های باز در مدت کوتاه به عرصه وجود خواهد آمد. تمام اسعار جهان بنابر فشار های رقابتی به اساس ارزش تبادل ثابت با طلا عمل خواهند نمود. معاملات بین المللی همراه با طلا توسعه خواهند کرد هر زمانی که پرداخت قیمت ها به اساس طلا برآورد شود که یک انتخاب مقدم به بها است.

دلیل نهم: مشکل گذار (انتقال)

دلیل نهم: گذار به سیستم واحد پولی طلا بحيث یک امر تفوق ناپذیر دیده می شود. استفاده از سیستم واحد پولی طلا باعث مشاجره و مختل کردن بازارهای مالی، هرج و مرج و بی نظمی زیاد شده است.

رد استدلال: وقتی ما سیستم واحد پولی طلا را یک سیستم پایدار بدون اثرات بزرگ دورانی آن، سوء استفاده حکومت های مستقل، فاقد مسئله امنیتی تورمی، پستی واحد پولی، بحران بین المللی و بحران درازمدت بیلانس از پرداختها در نظر بگیریم پس به این فکر می افتم که در واقع چرا این کار دشوار است تا سیستم واحد پولی طلا ایجاد شود هنگامی که دیده می شود فواید آن بصورت آشکارا محسوس است.

گذار به سیستم واحد پولی طلا بحيث یک امر تفوق ناپذیر دیده می شود. به این معنی که معتقد ساختن بسیاری از بانک داران، تغییر افکار عامه و هم چنان کسب نمودن باور به ایجاد آن شامل می شود. استفاده از سیستم واحد پولی طلا باعث مشاجره و مختل کردن بازارهای مالی، هرج و مرج و بی نظمی زیاد شده است.

اقتصاددانان مشهور غرب عادت کرده اند تا گروه "ساده سازان مشکل" را که همه چیز را توسط طرح های ساده و بیکاره شان خراب می کنند، تقبیح نمایند. باوجود آن مشکل بزرگ ما برعکس این است. پیچیده سازی توسط سرمایه داران و طبقه نخبه حاکم از تکنوکراتها، کسانی که بمجرد بلند شدن ندای سیستم واحد پولی طلا، بطور طعنه آمیز در مورد توده از کودن های احمقی که برای مشکلات پیچیده در جستجوی راه حل های آسان اند، صدا بلند می کنند.

خوب در بسیاری از حالات، راه حل بسیار ساده و روشن اند ولی بطور عمدی توسط مردمی بنام "پیچیده سازان مشکل" مغلق ساخته می شود. در واقع دوباره حاکم ساختن سیستم واحد پولی طلا نسبتاً ساده و آسان است. یعنی برعکس حکومتی که سیستم پولی فیات را کنترل می کند، با لشکری از اقتصاددانان اش که باعث ایجاد عوارض و پیچیدگی های آشکار شده و بالای اقتصاد ما خرابی را بار می آورد که این موضوع باید از دید ناسزاگوی

دیده شود و وظیفه آن آوردن ما در راه تاریک و کور ساختن ما چشمان ما است. دلایل معقول و پذیرفتنی در مورد مشکلات گذار به سیستم واحد پولی طلا مثل دسترسی طلا، اداره عرضه، محدودیت‌ها در برابر رشد، ارزش نگهداری هم‌چون سیستم و به غیره نکاتی قبلی که در بالا ذکر شد، پوشش داده شد.

وقتی ما سیستم واحد پولی طلا را یک سیستم پایدار بدون اثرات بزرگ دورانی آن، سوء استفاده حکومت‌های مستقل، فاقد مسئله امانتی تورمی، پستی واحد پولی، بحران بین المللی و بحران درازمدت بیلانس از پرداخت‌ها در نظر بگیریم پس به این فکر می‌افتیم که در واقع چرا این کار دشوار است تا سیستم واحد پولی طلا ایجاد شود هنگامی که دیده می‌شود فواید آن بصورت آشکارا محسوس است.

تنها بازندگان سیستم واحد پولی طلا حکومت‌های فاسد و اتحادیه بانکی خواهند بود که از دیر زمان به این سو از بکاربری فیات سود می‌برند. از نکته نظر اداره و کنترل حکومت، یکی از آرزوهای امپراطورها و پادشاهان گذشته بود تا ذخایر از طلای شان را افزایش دهند و این کار را تنها از راه پست آن انجام دادند تا به سریعتر به آن برسند.

اگر چه زادگان امروز آن‌ها توانستند بالأخره به آن آرزوها جامه عمل بپوشند وقتی که کاملاً طلا را به کاغذ تعویض نمودند. حکومت‌ها می‌توانستند بعضی اوقات به بی‌پروا و ناپایداری پول را مصرف ساختمان امپراطوری نمایند و از طریق چاپ پول و با تمام فهم مالیه خفیه را از طریق انفلاسیون بلند بالای مردم تطبیق می‌نمودند. آنها همچنان غیر مسئولانه عمل می‌نمودند یعنی با جستجوی راحتی در علم و آن هم تنها بعد از تصرف آن اثرات افراط آن در این بخش قابل حس بود.

در رابطه به آن بانک داران و سرمایه دارانی که خود را کارشناسان ارشد جهانی به معرفی می‌گرفتند باید گفت که آن‌ها (از طریق پمپ کردن چند میلیون پوند جوایز) و تأسیس سیستم بانکداری انبار کسری مبتنی بر سیستم پولی فیات خود را نیرومند ساختند. وقتی حکومت‌ها پول را ایجاد می‌کنند اولین دریافت کنندگان آن بانک‌های تجارتنی است که از طریق کانال بانک‌های مرکزی آن را حاصل می‌کنند. قسمی که این بانک‌های پول‌های بیس شان را افزایش می‌دهند پس یک هرم معکوس از کریدت شکل می‌گیرد و بصورت فوری به سوی

مشتریانی که در جستجوی کریدت آسان اند پراکنده می شود. و سپس دوره رونق تنها بخاطر ظهور به یک حباب اثر تورم ویرانگر تشکیل می شود.

چطور می‌توان به سیستم واحد پولی طلا بازگشت نمود

بازگشت به سیستم واحد پولی طلا نیاز به از بین بردن دلایلی دارد که به ترک آن منجر می‌شود و به از بین بردن عواملی نیازمند است که به کاهش آن منجر می‌گردد. این موضوع به نکات ذیل نیازمند خواهد بود:

- ۱- خریداری کاغذ چاپ اسعار (واحد پولی)؛
 - ۲- بازگرداندن ارتباط با واحد پولی طلا؛
 - ۳- از بین بردن وظایف سفارشی بر طلا و تمام محدودیت‌های که در برابر وارد و صادر نمودن آن قرار دارد؛
 - ۴- از بین بردن محدودیت‌ها در برابر داشتن آن، صاحب شدن آن، خرید و فروش طلا و به اساس قرارداد با آن معامله کردن؛
 - ۵- رفع محدودیت علیه در اختیار داشتن اسعار برجسته جهان آزادی بخشیدن رقابت در میان آنها که در رابطه به یکدیگر قیمت ثابت را اختیار کنند و در رابطه طلا، کاهش دادن و تغییر دادن اسعار آن بدون مداخله دولت.
- در عصر فرانکلن دی روزولت و سال ۱۹۳۰م از طریق صادر نمودن قانون فوری بود که صاحب شدن ملکیت خصوصی طلا برای شهروندان ایالات متحده ممنوع قرار گرفت. این بصورت مهم یک قدم بسیار سخت در حصول اطمینان از عدم فعالیت بازارهای طلا بود. پس از مبنای مثل به مثل، فیات نمی‌تواند با اولویت‌های مردم برای طلا رقابت نماید. هر

زمانی که برای طلا آزادی داده شد، در مدت کوتاه داری بازار باز خواهد شد و بر این اساس تمام اسعار بین المللی در رابطه شان با طلا ارزش تبادل ثابت را اختیار خواهند کرد. معاملات بین المللی توسط طلا تا جائی توسعه می یابد که قیمت های پرداخت قرارداد کالاها توسط طلا برآورد می شوند. اگر این سلسله ی اقدامات با توسط یک دولت قوی انجام شود، سپس موفقیت این انجام کشور های دیگر را تشویق خواهد نمود که به دنبال آن بروند و که منجر به بازگشت جهان به سوی سیستم واحد پولی طلا برای بار دوم خواهد شد.

دلیل دهم: مشکل اجرا (تطبيق)

دلیل دهم: سیستم واحد پولی طلا و نقره از گرایش به کاهش و پستی برای تولید نقدینگی رنج می برد. این نه تنها به انفلاسیون می انجامد بل همچنان پول خوب را از عرضه خارج می کند- یک تحلیلی که معمولاً مشهور به قاعده گرشام است.

رد استدلال: اسلام به پست آوردن تامین امنیت ارزش پولی اسعار اجازه نمی دهد. تکنالوجی معاصر این کار را ممکن ساخته تا با نماینده پول رایج پشتوانه شده توسط طلا و نقره از این مشکل جلوگیری نماید. در مخالفت با قانون گرشام، اسعار قوی بزودی تبدیل به تبادل رسانه یی مرجح خواهد شد. که بزودترین فرصت سیستم واحد پولی طلا را در جای اصلی آن در جهان مستقر می سازد.

قانون گرشام به صورت گسترده بیان می دارد که "پول بد پول خوب را از جریان می اندازد." این سخنان به وضاحت بیشتر نیاز دارد چون فراتر از آنچه که در نظر گرفته شده اظهار گردیده است. معمول ترین مراقبت در واقع برعکس آن است. مثلاً اسعار قوی اسعار ضعیف را بیرون می کند. در طول تاریخ اسعار قوی همواره اسعار دیگر را تحت تسلط خود قرار داده است. مثلاً داریک فارس، تترادرکما یونان، ستر مقدونی، دیناریوس روم، دینار اسلام، فلورینس/دوکتس ایتالیا، سترلنگ پوند و دالر ایالات متحده.

فلزات گرانبها از دیگر فلزات برتری دارد چون آنها نسبت به اسباب دیگر در انجام کاربرد لازم برای پول زیاده تر عزیز و موثر اند. مفهوم دقیق از پدیده قانون گرشام به موضوع پست ارتباط دارد. مثلاً پول بد پول خوب را از گردش خارج می کند اگر اینها به قیمت یکسان

تبادله شوند. این یک تیوری ساده ی از سلوک منطقی و یا عقلی اقتصاد است که گزینه در معاملات اقتصادی داده شده است. مردم کالاهای ارزان را نسبت به مهم تر و عزیز تر ترجیح خواهند داد.

گرایش برای ناپدید شدن سکه های خوب به این معنی خواهد بود که اگر حکومت سکه های بد و یا سبک وزن را بمعرفی نماید. دولت اسلامی قبل نیز با همچون مشکلی روبرو شده بود. ابن تیمیه از پستی اسعار توسط سلطان های مملوک در مصر انتقاد کرد که باعث فرار پول خوب از کشور شد. محمد ثانی همچنان می گوید که وی نیز بصورت مکرر اسعار را به پستی آورد تا درآمد اضافی را در خزانه داری بلند ببرد. همچون پستی به میزان بالا منجر به انفلاسیون شد. دیگران نیز به همچون پدیده ی "پول بد پول خوب را خارج می کند"، اشاره نمودند ولی آنها را با سکه بی اثر و نسبت های فلز بازار مخلوط نمودند.

با این حال استهلاک زمانی واقع می شود که قیچی، پوشاندن و جعل و تقلب سکه صورت بگیرد. این قابل نقد است اگر پول در جریان و استفاده در ذات اش فلز باشد. با آنهم معمول است که عرضه پول مرکب از سکه های پوشیده و نو (بعضی آن در جریان قرنها جدا شده باشد)، تنها بخاطر ارزش اسمی آن مورد پذیرش باشد. موضوع مهم این است که آیا پول زیاد به حد افراط صادر شده باشد. به عبارت دیگر اگر پول بد برای انجام تقاضای مجموع پول ناکافی باشد، بعضی از پول خوب باید بخاطر کمک نمودن به این وضعیت به عقب بماند. این حالت مشابه به مشاهده داشتن ماشین های دارای سنین مختلف، مردمان دارای استعداد های مختلف و اسعار کاغذی داری تردی مختلف است که به قیمت یکسان پهلو به پهلو کار می کنند.

اگر یک قدم فراتر نهاده شود، می توانیم با تعویض طلا توسط نماینده ی اسبابی به اسم کاغذ به اکتشاف برسیم. این پول جدید کاغذی با معادل قرارگرفتن ارزش سکه همسان آن شود. جان استوارت میل همچون تعویض یا جابجایی را مورد تحلیل قرار خود داد و در نتیجه گیری اش موقعیتی که تحت آن سیستم ها زیر پا می شوند، بود. "جاننشینی کاغذ برای اسعار فلزی یک دستآورد ملی است، و هر نوع افزایش کاغذ فراتر از این یک شکلی از دزدی است." بنابر این لزوماً درست نیست که پول خوب و بد با هم یکجا در گردش بوده نمیتوانند

و یا پول خوب با حق صرافی در گردش است.

از بحث فوق نکات زیر نیاز به بیان دارد:

- ۱- هنگامی که سیستم واحد پولی طلا اجرا شود به زودترین فرصت مورد تصویب قرار خواهد گرفت- پول بد را از جریان بیرون می‌کند؛
- ۲- هنگامی که اسعار کاغذی/سکه فراتر از انبار واقعی فلزی صادر شد پس این به نوبه خود به پستی منجر می‌شود و هنگامی که به ارزش یکسان مورد تبادل قرار گرفت، قانون گرشام مصداق عمل قرار می‌گیرد و پول خوب از از جریان خارج کرده می‌شود؛
- ۳- نماینده پول رایج (کاغذ و یا بشکل الکترونیک) برای مطابقت دادن مقدار انبار دو فلزی مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند که تماماً از بحث پستی جلوگیری بعمل می‌آورد؛
- ۴- در جریان دوره انتقال مثلاً وقتی عرضه پول کاهش پیدا کرده و یا تعویض شود، توجه قابل ملاحظه‌ی به مفهوم قانون گرشام صورت بگیرد؛
- ۵- حوادث تاریخی ناشی از پستی یا که غیر عمدی بوده و یا در اثر تساهل اجرای قوانین اسلامی صورت گرفته و به شکل غیر عادی و ضمنی در جریان دوره خلافت واقع شده است؛
- ۶- نقد پستی به معنی دیگر کمی و کاهش یکی از ویژگی‌های سیستم پولی فیات می‌باشد؛
- ۷- پستی در اسلام جواز ندارد و حرام قطعی است ازینرو ما برای تامین امنیت ارزش پولی بصورت جهانی سیستمی را تنظیم خواهیم کرد.

نتیجه‌گیری

«درین مرحله حساس ما پول قبول شده‌ی داریم که این پول ضروراً توسط یک حکومت چاپ می‌گردد و این مسؤولیت در انحصار بانک مرکزی می‌باشد. بعضی می‌کانونیم‌های باید وجود داشته باشد که مقدار پول تولید شده را محدود سازد که می‌تواند طلا باشد و یا بورد پول رایج. زیرا اگر چنین نگردد، از تاریخ گذشته چنین معلوم می‌گردد که تورم اقتصادی صورت خواهد گرفت و بسیار تأثیر بدی روی فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت. تعداد زیادی از مردم به شمول خودم وجود دارند که باورمند به این اند که در سال‌های ۱۸۷۰م الی ۱۹۱۴م با یک واحد پولی بین‌المللی طلا کارهای خوبی را انجام داده‌اند.» (الان گرینسپن - اکتوبر ۲۰۰۷)

۱۰ استدلال یا بحث که درین رساله ارائه گردید، مانع بزرگ در مقابل برگشت موفقانه نظام پولی طلا بشمار می‌روند. درحالی‌که باور ما اینست که این استدلال‌ها انظوریکه ادعا گردیده قوی نیست. همچنان پیرامون این که استدلال‌های اساسی در مورد نظام پولی طلا باید وجود داشته باشد و به همان طریقه دلیل لازم را بخاطر تغییر بنیادی مهیا نماید.

زمانی که دولت‌ها و بانک‌های بزرگ حق آزادانه‌ی چاپ پول را داشته باشند، بدبختانه که نتیجه آن همیشه یکسان می‌باشد که منجر به افزایش چشمگیر در ذخیره پول و سرانجام تورم بیشتر می‌گردد. این حقیقت قویترین دلیل بخاطر سرمایه جامد که دارای پشتوانه قوی است می‌باشد. چنانچه «جورج بنارد شو» در سال ۱۹۲۸م چنین نوشته است:

«مهم‌ترین اصل در مورد پول این است که ثابت بماند. شما باید از اعتماد بالای ثبات طبعی طلا و صداقت و لیاقت اراکین دولتی یکی را انتخاب نماید. با درنظرداشت این آقایان، به

شما مشوره می‌دهم تا زمانیکه نظام سرمایه داری دوام می‌نماید برای طلا رای دهید.» این نوشته در مورد پول به خصوص ثبات پول می‌باشد. قابلیت اش را دارد تا در مورد اینکه پول واقعی کدام است، تذکر دهیم. پول منحصی و سلیه تبادل و معاملات بخاطر آسان سازی پروسه تجارت، ایجاد ثبات در معاملات بکار برده می‌شود نه بخاطر مانع معاملات اقتصادی که همه را محکوم نموده و بعضی اوقات معادل به پول کاغذی گردیده باشد. بخصوص با ذخیره خیالی پول کاغذی که از تورم گرفته شده است.

خلاصه ذیل توسط "ریچارد روسل" بیانگر شرایط کلیدی و اساسی است که هر جامعه باید از وسیله‌ی معاملاتی خویش (واحد پولی) توقع داشته‌باشند.

پول خوب باید یک سلسله مشخصات فوق‌العاده داشته باشد؛

۱. پول باید با دوام باشد، زیرا ما گندم یا جواری را استفاده نمی‌نمایم؛
۲. پول باید، قابل تقسیم باشد به همین سبب از نقاشی‌های "پیکاسو" و از مجسمه‌های سبز استفاده نمی‌نمایم؛

۳. پول باید راحت باشد به همین دلیل از سرب، مس و یا مال واقعی استفاده نمی‌گردد؛

۴. پول باید خودش ارزش داشته باشد به همین دلیل از کاغذ خالص استفاده نمی‌گردد؛

۵. پول باید قابل انتقال باشد یعنی بدین معنی که مقدار زیاد آن جای کم بگیرد (سکه طلائی که وزن آن فقط یک اونس بوده و دارای ارزش تقریباً ۱۵ صد دالر می‌باشد)؛

۶. پول باید از مدت زیادی بدینسو منحصی یک ارزش قبول شده باشد. طلا از ۵ هزار سال قبل منحصی ارزش در زمانه مصر قدیم قبول گردیده بود؛

۷. پول باید از بین نرود و یا باید در تولیدات منحصی مس و حتی نقره استفاده گردد. بناً طلای

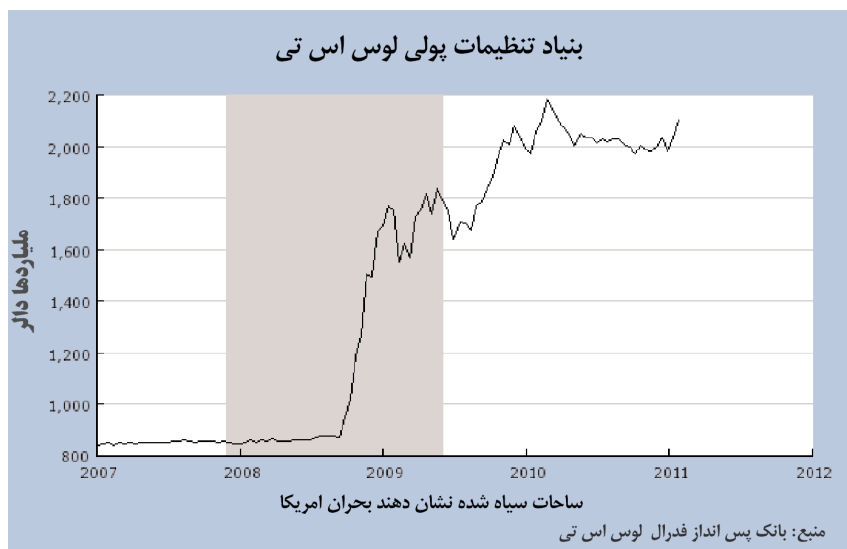
که شما در دست دارید، ممکن بخش از زیورات و گوشواره‌های فرعون از قرن‌ها قبل باشد؛

۸. پول نباید تحت صلاحیت کدام ملت دیگر باشد و نه هم به قوانین دولتی ضرورت داشته باشد تا آن پول را بسازد. طور مثال جماوری طلا به سرمایه، استعداد، خطر، عرق ریز و شجاعت ضرورت دارد.

یادداشت: موجودیت مشخصات فوق در دانه‌های الماس قابل مقایسه می‌باشد اما الماس نه قابل تقسیم است و نه تاریخچه‌ی طولانی از حفظ ارزش آن موجود است.

طلا منحیث و سلیه معاملات بخاطر داشتن مشخصات فوق بطور جهانی قبول گردیده است. به همین دلیل دولت‌ها بخاطر دلایل که داشتند (یعنی بدگمانی‌های جهانی مانند جنگ جهانی اول) استفاده از طلا را ملغاً قرار داده و آن را به واحدهای پولی کاغذی ملی برگشتاندند. آهسته آهسته پس از سپری شدن زمان، ملت‌ها حاضر به پذیرفتن واحد پولی کاغذی گردیدند و در مورد این که پشتوانه‌ی سرمایه مورد نیاز قبلی ایشان از بین رفته بود، آگاه نبودند. آنان سیستم‌های بانکداری را برای چاپ دالر، پوند، ین و دیگر اسعار که آنان مناسب می‌دانستند، فعال نموده بودند.

چارت ذیل که از آدرس (Shadowstats.com) اخذ گردیده است، افزایش یکنواخت و اصلی را در پشتوانه پولی ایالات متحده نشان می‌دهد. پس از آن افزایش چشم‌گیر داشت؛ اما به بحران مالی سال ۲۰۰۸ م مواجه گردید که تا هنوز حل نگریده است. شک وجود ندارد که دالر امریکا با گذشت زمان بعد از سال ۱۹۷۱ م زمانیکه «نیکسون» بطور یکجانبه خاتمه موفقیت‌نامه «بریتون و دز» یعنی واحد پولی طلا را اعلام نمود ۳ هزار فیصد در مقایسه با طلا کاهش یافته است.



منبع عکس: [http://research.stlouisfed.org/fred2/graph/?s\[۱\]\[id\]=BASE](http://research.stlouisfed.org/fred2/graph/?s[۱][id]=BASE)

«در نبود واحد پولی طلا، دیگر طریقه ویا چاره‌ی وجود ندارد تا پول را از غصب از طریق تورم حفظ نماید. این یک راز قدیمی و کهنه در سخنانی‌های سیاستمداران رفاه خواهان اجتماعی در برابر طلا می‌باشد. کسر بودجه یک طرح آسان برای غصب ثروت می‌باشد. اما طلا ازین دسیسه‌های خائنانه محفوظ است. طلا منحیث محافظ حقوق ملکیتی می‌باشد. اگر این موضوع را کسی درک نموده باشد، کسی در درک خصومت سیاستمداران علیه واحد پولی طلا مشکل نخواهد داشت.» (الان گرینس پن، ۱۹۷۱)

دیدگاه اسلام پیرامون نظام پولی طلا

یگانه نظام که صریحاً بر واحد پولی طلا تأکید دارد نظام اقتصادی اسلام می‌باشد که توسط دولت اسلامی و یا خلافت تطبیق می‌گردد. دو واحد پولی فلزی طلا و نقره در اسلام مورد استفاده قرار گرفته است. هیچ‌نوع پول مجاز دیگر از طرف دولت اسلامی حکم نمی‌گردد و هر نوع واحد پولی کاغذی باید پشتوانه داشته باشد. مشخصات اساسی مدیریت واحد پولی دولت اسلامی قرار ذیل می‌باشد.

۱- واحد پولی در دولت اسلامی تنها دو نوع فلز (طلا و نقره) می‌باشد. چنانچه در متون اسلامی مانند قرآن و احادیث پیامبر ﷺ ثابت می‌باشد؛

۲- دولت هیچ‌گونه واحد پولی را که 100% پشتوانه طلا و یا نقره نداشته باشد، قبول نمی‌کند؛

۳- اتباع دولت می‌توانند از واحدهای پولی کشورهای مختلف استفاده نمایند، اما واحد پولی رسمی دولت اسلامی طلا و نقره می‌باشد.

۴- هر نوع سود حرام بوده و ایجاد سیستم کردت در پهلوی منابع موجود منع می‌باشد؛

۵- ایجاد سیستم کردت توسط بانک‌ها بشمول خزانه دولت (بیت‌المال) حرام می‌باشد.

طلا و نقره واحد پولی رایج در معاملات می‌باشد. زیرا آنان دارای ارزش ذاتی اند مانند استفاده در زیورات و دیگر وسایل زینتی و صنعتی که بیشتراً قابل دسترس بوده و در انحصار

کسی نمی‌باشد. همچنان منابع کافی از آن وجود دارد تا رشد اقتصادی را بر آورده بسازد. رشد فیصدی سالانه‌ی طلا در مسیر چند نسل تقریباً ۲٪ بوده است.

این در حالیست که شریعت اسلامی داشتن دیگر واحدهای پولی (بدون طلا) را حرام نکرده است. دولت اسلامی کدام نوع دیگر واحد پولی را استفاده نخواهد کرد و ترویج تمام انواع واحدهای پولی دیگر که پشتوانه باارزش نداشته باشد، منع می‌باشد. اسلام تمام قواعد واحداث پولی خویش را مطابق اصول و قواعد طلا و نقره منحیث وسیله معاملات در اموال و خدمات به پیش می‌برد. واحد پولی که در معاملات بکار برده می‌شود، هم می‌تواند به شکل سکه و یا شکل سنگ معدنی باشد. هیچ نوع قید و شرط بخاطر داشتن طلا و یا نقره وجود ندارد و همچنان هیچگونه قیمت ثابت تبادله میان این دو وجود ندارد. کلید موفقیت در نظام واحد پولی اسلامی قوانین اسلامی می‌باشد که از احتکار ثروت جلوگیری می‌نماید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [توبه: ۳۴]

ای مؤمنان! بسیاری از علماء دینی یهودی و مسیحی، اموال مردم را به ناحق می‌خورند، و دیگران را از راه الله سبحانه و تعالی باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می‌کنند و آن را در راه الله سبحانه و تعالی اخرج نمی‌نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده.

این معاملات همرا با سیستم مالیاتی بالای پول تمرکز می‌نماید نه بالای عایدات. خراج چرخ ثروت و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌نماید. اگر پول احتکار نگردد و یا در بانک‌ها تنها بخاطر پالیسی‌های قرضه‌دهی باقی نماند، این چرخ اقتصادی منجر به سرمایه‌گذاری سریع در تمام بخش‌های اقتصادی می‌گردد. در حدیث قدسی که توسط نوآوری روایت گردیده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: ترجمه؛ «ای فرزندان آدم خرج نماید تا من بر شما خرج نمایم.»

جلوگیری از بانک‌های تجارتي سودی، اقدام فردی بخاطر در انحصار داشتن پول مارکیت به انگیرهی سرمایه گذاری (سرمایه‌ی که استفاده نگردد، بخاطر جلوگیری از احتکار پول ذکات آن افزایش می‌یابد)، بدین معنی است که جامعه اسلامی از سرمایه گذاری‌های بلند ثابت مستفید گردیده است. این موانع که پول را از چرخش باز می‌دارد، طی صدها سال بکار برده شده و تاثیرات فوق‌العاده‌ی در کاهش رکود اقتصادی که از حوادث طبعی مانند آفت‌های اقلیمی بوجود آمده، داشته است. بحران‌های فعلی که بحران مالی ۲۰۰۸ از میان آنان بشمار می‌رود، بخاطریست که پول‌های نقد آنان از چرخش باز مانده بود که منجر به تاوان بسیار زیاد بانک‌های متذکره گردید و عدم استفاده از سیستم کردت باعث دوباره مستحکم شدن قوی آن گردید.

سیستم واحد پولی رایج مرتبط به سیستم بانکی بوده که جریان پول را نظر به تخمین عرضه و خطر آن تعیین می‌نماید. زمانیکه پول زیادی بخاطر قرضه و سرمایه‌گذاری ضرورت می‌باشد، بانک‌ها در یک تقلیل مشاهده گردیده که به همین خاطر پول‌های نقد موجوده محدود می‌باشد. برخلاف این، اسلام برنامه ثابت و بدون سود را مهیا می‌سازد که در آن هیچ انگیزه‌ی قید کردن پول از چرخ اقتصادی نباشد.

﴿لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ﴾ [حشر: ۷]

بدان خاطر است که اموال تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست بدست نگردد. نظام اسلام مودل سرمایه‌گذاری اجباری را آماده می‌سازد و این موضوع که گویا نظام اقتصادی اسلام سرمایه‌گذاری را رشد نمی‌دهد، اساس ندارد. حقیقت این است که اسلام سرمایه‌گذاری و تجارت را تشویق می‌نماید. اما سرمایه‌گذاری را که به اساس سود باشد، اجازه نمی‌دهد. زیرا در نهایت جریان اقتصادی را توقف می‌دهد. الله سبحانه و تعالی در آیه ذیل فرق میان این دو نوع سرمایه‌گذاری را طور ذیل بیان می‌دارد:

﴿إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ﴾ [بقره: ۲۷۵]

الله سبحانه و تعالی خرید و فروش را حلال و ربا(سود) را حرام کرده است.

ثبات اقتصادی از آن سرمایه گذاری بدست می آید که از تولیدات و یا تجارت واقعی بدست آمده باشد که ثروت اندوزی آن از نتایج کار و نفع بدست می آید نه از قرض دادن. سیستم واحد پولی هم بیانگر این موضوع می باشد که بواسطه پول (طلا و نقره) واقعی و محسوس است.

فواید نظام پولی طلا

اگر فواید نظام پولی طلا را با نظام پولی بدون پشتوانه مقایسه نمایم، بدیهی است که نظام پولی طلا منحصیث نظام پولی جهانی تبدیل می‌گردد. از آغاز تاریخ پول الی جنگ جهانی اول، تمام جهان از طلا و نقره منحصیث نظام پولی استفاده می‌کرد. تا آنوقت هیچ نظام پولی دیگر به جهان معرفی نشده بود.

زمانی که استعمارگران به استفاده نمودن اسلوب های مختلف اقتصادی و مالی سرمایه داری آشنا شدند، آنها به استفاده نمودن واحد پولی منحصیث اسلوب استعماری شروع کردند و واحدهای مختلف پولی را ایجاد نمودند. آنها سپرده های بانکی و بانک‌نوت های غیر قابل مبادله، که بدون پشتوانه طلا و نقره بودند، را منحصیث پول همراه با طلا و نقره می‌شمرند. که بعداً، نظام پولی طلا و نقره بطور کامل افت نمود.

بعضی از فواید کلیدی نظام پولی طلا و نقره قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- ایجاب می‌کند که طلا بطور آزاد در دوران باشد، صادرات و واردات طلا باعث ثبات پولی، مالی و اقتصادی می‌گردد. درین حالت، معامله اسعار فقط از مخارج خارجی حاصل می‌شود که مصارف کالاها و معاشات کارگران را تأمین می‌کند؛
- ۲- نظام پولی طلا ثبات نرخ ارز میان دولت ها را تأمین می‌کند، و ثبات نرخ ارز باعث جهش اقتصادی در سطح تجارت بین المللی می‌گردد، از همینرو تاجران از ابهام بی

ثباتی نرخ ارز نگران نخواهند بود؛

- ۳- اگر نظام پولی طلا روی صحنه بیاید، بانک های مرکزی و دولت ها قادر به چاپ بانکنوت ها نخواهند بود، تا زمانی که بانکنوت ها در یک نرخ ثابت با طلا غیرقابل مبادله باقی بماند، مقامات میترسند که اگر بیش از حد به چاپ بانکنوت ها بپردازند، درآئین صورت تقاضای طلا در مارکیت افزایش یافته و آنها قادر به رسیدگی به تقاضا نخواهند بود. بنابراین، آنها همیشه در تلاش هستند که نسبت متعارفی را بین چاپ بانکنوت ها و ذخایر طلا تامین نمایند؛
- ۴- هر یکی از واحدهای پولی که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می گیرد براساس مقدار معین طلا تعیین می گردد. در نتیجه، انتقال کالاها، پول و مردم از یک کشور به کشور دیگر آسانتر شده و مشکل پول چاپی از بین خواهد رفت؛
- ۵- نظام پولی طلا هر کشور را در حفظ طلا خویش مساعدت می کند، بخاطر اینکه زمینه قاچاق طلا از یک کشور به کشور دیگر ناممکن می شود، و کشورها نیاز به کنترل و حفظ ذخایر خود ندارند.
- ۶- امروز، ما شاهد هستیم که به مرور زمان توانائی پس انداز مردم از بین رفته، باوجود اینکه نسبت به گذشته درآمد مردم بیشتر شده است. قدرت خرید پول بطور واقعی کاهش یافته درحالیکه ارزش دارائی ها هنوز هم درحالت خود قرار دارد، ولی مبلغ مورد نیاز جهت خرید اموال ملموس (زمین، جایداد، کالاها) در حال افزایش است. مردم امروز در مقایسه به مردم دو دهه قبل کمتر پس انداز می کنند.
- ۷- اسلام بالای سرمایه تاکید نموده و تلاش میوزرد تا سرمایه مردم را با طرح پالیسی های عدم تنازل ارزش پول حفاظت نماید. دولت اسلامی اجازه استفاده پول های کاغذی را نمیدهد زیرا تمام واحدهای پولی توسط طلا و نقره پشتیبانی می گردد. این به آن معنی است که واحد پولی درتناسب با تمام دارائی ها ارزش خود را میداشته باشد. بنابراین، ارزشی که برای خریدار زمین منحیث معیار باقی خواهد ماند عبارت از ارزش طلا میباشد. در نتیجه این باعث ایجاد ثبات و اعتماد در قسمت ارزش واحد پولی دولت می گردد.

۸- رشد اقتصادی در دولت اسلامی درمقایسه به سال های قبل براساس افزایش محض تولیدات ناخالص داخلی محاسبه نمی گردد، لیکن بیشتر به میزان جامع و عمیق بهبود معاملات در جوامع براساس کمیت، کیفیت و تساوی درنظر گرفته میشود. ازینرو، جوامع امروز رشد کمی تولیدات ناخالص داخلی را، که منجر به تنازل طریقه زندگی گردیده است، منحصراً رشد محسوب نمیکند، جز بحیث یک کاهش. رشد فطرت طبعی مردم بوده؛ وتوسعه آن مشکل ساینس میباشد، که هرگز با عرضه محدود صورت نمی گیرد. درحالیکه، تامین رشد بزرگ پایدار اقتصادی بدون جهش و افت اقتصادی برای نظام اقتصادی یک معضل بشمار میرود، که تنها نظام اسلامی میتواند آنرا حل نماید. باوجوداینکه بیشترین علوم اقتصاد با رکود قیمت کالاها و خدمات روبرو هستند، یک موج بزرگ تورم پولی در ماه ها وسالهای پیشرو قابل پیش بینی است. تطبیق شدید نظام پولی فلزی یگانه راه جلوگیری این معضل در نظام اسلام می باشد در صورتی که بالای بانکدارهای مرکزی جهان کنترل کمتری وجود داشته باشد.

* * *

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

منابع

1. <http://www.ft.com/cms/s/0/5bb39488-ea99-11dfb28d-00144feab49a.html#axzz1C3n4VpPj>
2. Michael David Bordo, 1981, The Classic Gold Standard: Some Lessons for Today, Federal Reserve Bank of St. Louis.
3. http://www.statistics.gov.uk/articles/economic_trends/ET604CPI1750.pdf
4. Figure 14: <http://www.cepr.org/meets/wkcn/1/1714/papers/Broadberry.pdf>
5. http://www.statistics.gov.uk/articles/economic_trends/ET604CPI1750.pdf
6. Temin, Peter. 1976. Did Monetary Forces Cause the Great Depression? New York: W. W. Norton.
7. B. Bernanke, H. James, 1991, The Gold Standard, Deflation, and Financial Crisis in the Great Depression: An International Comparison, in G. Hubbard ed., Financial Markets and Financial Crisis, Chicago: University of Chicago Press.
8. <http://www.321gold.com/editorials/russell/russell122810.html>

مجموعه از کتاب‌هایی که تاکنون "حزب التحریر" به دست نشر سپرده است!

- | | |
|---|--|
| <input type="checkbox"/> کتب حزبی: | <input type="checkbox"/> نفسیه اسلامی |
| <input type="checkbox"/> منہج حزب التحریر | <input type="checkbox"/> سایر کتاب‌هایی که شباب "حزب التحریر" نوشته اند: |
| <input type="checkbox"/> معرفی حزب التحریر | <input type="checkbox"/> برخورد فرهنگ‌ها |
| <input type="checkbox"/> تکتل حزب التحریر | <input type="checkbox"/> ظهورِ نظم نوین جهانی |
| <input type="checkbox"/> مفاهیم حزب التحریر | <input type="checkbox"/> نظام دفاعی و جنگی دولت خلافت |
| <input type="checkbox"/> نظام اسلام | <input type="checkbox"/> سیاست صنعتی دولت خلافت |
| <input type="checkbox"/> شخصیت اسلامی (جلد اول) | <input type="checkbox"/> مسئولیت حاکم و امت در دولت خلافت |
| <input type="checkbox"/> مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت | <input type="checkbox"/> سیاست خارجی دولت خلافت |
| <input type="checkbox"/> مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت | <input type="checkbox"/> نظام عقوبات دولت خلافت |
| <input type="checkbox"/> - مشرح (جلد اول) | <input type="checkbox"/> بحران اقتصادی و راه حل آن |
| <input type="checkbox"/> نظام مالی دولت خلافت (اموال در دولت خلافت) | <input checked="" type="checkbox"/> نظام پولی |
| <input type="checkbox"/> نظام اقتصادی دولت خلافت | <input type="checkbox"/> بحران هستوی و راه حل آن |
| <input type="checkbox"/> نظام حکومت داری دولت خلافت | <input type="checkbox"/> بحران محیط زیستی (پدیده تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین) و راه حل آن |
| <input type="checkbox"/> نظام اجتماعی دولت خلافت | <input type="checkbox"/> بحران آزادی و راه حل آن |
| <input type="checkbox"/> مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت | <input type="checkbox"/> بحران تفکیر ساینسی و خلافت |
| <input type="checkbox"/> دولت اسلامی | <input type="checkbox"/> بحران هجرت و پناهندگی و راه حل آن |
| <input type="checkbox"/> مفاهیم سیاسی | <input type="checkbox"/> احکام شرعی؛ شبیه سازی، پیوند اعضا، - |
| <input type="checkbox"/> نظریات سیاسی حزب التحریر | <input type="checkbox"/> سقط جنین و تلقیح مصنوعی |
| <input type="checkbox"/> ساختار دولت خلافت | <input type="checkbox"/> تفکیر |
| <input type="checkbox"/> قضایای سیاسی | <input type="checkbox"/> سرعت البدیہه |

- فکر اسلامی
- طلب نصرت
- افکار سیاسی
- خلافت چگونه نابود شد
- احکام بینات
- بحران بازارهای مالی
- استبداد خلافت
- پاسخ خلافت
- 100 پرسش در مورد خلافت
- رد بر تمامی اتهامات علیه حزب
- مفاهیم خطرناک، بحران و راه حل آن
- حمله امریکایی

نوشته‌های تاریخی پیرامون صفحات

درخشانِ امت اسلامی:

- معرفی امراء ثلاثهٔ حزب التحریر
- پیمان امت
- واجب امت
- سعی امت
- نهضت امت
- ندای امت
- جمهوریت و خلافت
- دموکراسی نظام کفر است
- کلام چندی درم ورد فضایل مردم سوریه(اهل شام)
- امت و خلافت در صفحات تاریخ؛ 1795-
- امریکا به ولایت الجزایر دولت خلافت جزیه پرداخت.
- امت و خلافت در صفحات تاریخ؛ 1916-
- دولت خلافت بریتانیای کبیر را شکست داد.
- امت و خلافت در صفحات تاریخ؛ 1857-
- نخستین حرکت بیدارگری(نهضت) در میان امت.

- انتقال از بهار عربی به بهار اسلامی
- تصورات جیوپولیتیک
- نقش زنان در حمل دعوت به سوی خلافت
- چگونگی تنظیم زندگی فامیلی
- خلافت
- برگشت خلافت

امت پروڈکشن

Ummat Production